

■ Me'mārbāshis of the Nasirid Court (1848- 1896)

Hamid Reza Pishvaei, PhD

Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

Zahra Ahari, PhD (corresponding author)

Associate Professor, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University

The Qajar period, especially the times of Nasir al-Din Shah's reign (1848-1896), is a critical period, and in a sense is the beginning for the modern era in the history of contemporary architecture in Iran. However, there is not a clear picture of how architects worked in this period. Despite the abundance of documents about the 'me'mārbāshis' of the Nasirid court remained from that time, we know little about seminal guild at the court. Employing a historical approach, the present paper aims to study me'mārbāshis of the Nasirid court's works and lives, duties and responsibilities, and the evolution of the position 'me'mārbāshi' in this period. Written documents of the period indicate that five people held the position 'me'mārbāshi' during the Nasirid period: 'Abd Allāh Khān, Mohammad Taghi Khān, Mohammad Ebrāhim Khān, Hāji Abol-Hasan, and Hosein 'Ali Khān the me'mārbāshis. They had a diverse series of duties and responsibilities, but their main remit was to manage technical affairs related to the whole royal constructions at the same time. The increasing number of royal constructions during 1866- 1883 resulted in the formation of the 'chief-mason' role and the increasing power of senior architects. The consequences eventuated a rotation in the position of me'mārbāshi and, after several years of interruption, led it to be possessed by expert architects again. With the development of bureaucracy came a clarification of labour division between the me'mārbāshi and holders of other roles and positions. These changes could be considered as a sign of modernity in the professional architecture organisations of the Nasirid court.

Keywords: Me'mārbāshis; Architects; Architecture Mechanism; Qajar architecture; Royal architecture.

معماری‌های دربار ناصری (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق)^۱

حمیدرضا پیشوایی^۲

زهرا اهری^۳

دریافت: ۲۷ دی ۱۳۹۹

پذیرش: ۵ تیر ۱۴۰۰

(صفحه ۱۲۵-۱۰۷)

دانشیار دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی

کلیدواژگان: معماری‌های دربار ناصری، معماری قاجاریان، معماری سلطنتی.

چکیده

دوره قاجاریه، به‌ویژه عصر ناصری، از مهم‌ترین مقاطع زمانی و به تعبیری سرآغاز دوران معاصر در تاریخ معماری ایران است. با این حال، تصویر و تصور ما از سازوکار معماری در این برهه حساس مبهم و ناروشن است. به‌رغم اسناد و مدارک فراوان موجود درباره معماری‌های دربار در این برهه، شناخت ما از آنها، به‌مثابه بخشی از مهم‌ترین عوامل تشکیلات معماری سلطنتی، بسیار اندک است. در مقاله حاضر، با بهره‌گیری از راهبرد تاریخی، تلاش می‌کنیم تا در برهه پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین‌شاه (۱۲۶۴-۱۳۱۳ق) احوال و آثار معماری‌های دربار ناصری، محدوده وظایف و مسئولیت‌های آنها، و نیز سیر تحول و دگرگونی منصب معمارباشیگری را تحلیل و تفسیر کنیم. بررسی منابع نوشتاری حاکی از آن است که در دربار ناصری پنج معمارباشی بر سر کار بوده‌اند: عبدالله‌خان، محمدتقی‌خان، محمدابراهیم‌خان، حاجی ابوالحسن، و حسین‌علی‌خان معمارباشی. این اشخاص وظایف و مسئولیت‌های خرد و کلانی بر عهده داشتند، اما اصلی‌ترین کار آنها نظارت فنی هم‌زمان بر مجموعه ساخت‌وسازهای سلطنتی بود. فزونی یافتن این ساخت‌وسازها که در دهه‌های ۱۲۸۰-۱۳۰۰ق منجر به شکل گرفتن نقش مباشرت، پدید آمدن منصب ریاست بنایی، و قدرت یافتن معماران طراز اول شد، چرخشی در منصب معمارباشیگری پدید

آورد و باعث شد تا پس از سال‌ها فترت این منصب دوباره به‌دست معماران اهل فن بیفتد. در طی این سال‌ها، با پیشرفته‌تر شدن سازوکار معماری سلطنتی از لحاظ دیوان‌سالاری، نسبت منصب معمارباشیگری با دیگر مناصب و نقش‌ها روشن‌تر و دقیق‌تر شد. این تحولات، به تعبیری، از نشانه‌های تجدد در تشکیلات معماری دربار ناصری است.

مقدمه

سازوکار معماری در دوره قاجاریه، به‌رغم نزدیکی زمانی با روزگار ما، مبهم و ناروشن است. تصویری که امروزه از معماری این دوره در ذهن داریم تقریباً منحصر به آثار معماری است. حال آنکه عوامل معماری، به‌ویژه معمارباشی‌ها، نیز بخشی از جهان معماری بودند که نقشی انکارناپذیر در ساخت‌وسازهای سلطنتی داشتند. شناخت نقش و جایگاه این اشخاص نه‌فقط فهم ما را از سازوکار معماری در این مقطع زمانی مهم غنی‌تر می‌کند، بلکه، به‌سبب نزدیکی زمانی دوره قاجاریه با روزگار ما، و از آنجاکه سرآغاز دوران معاصر در ایران



۱. مقاله حاضر برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول است با عنوان معماری کاخ گلستان در عصر ناصری: به‌مثابه آیین تحول ذوق که به راهنمایی نگارنده دوم و دکتر مهرداد قیومی بیدهندی در تاریخ شهرپورماه سال ۱۴۰۰ در دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، دفاع شده است.

۲. کارشناس ارشد مطالعات معماری ایران، دکتری معماری، دانشگاه شهید بهشتی

h.pishvaie@gmail.com

۳. نویسنده مسئول

z_ahari@sbu.ac.ir

پرسش اصلی پژوهش

۱. معمارباشی‌های دربار ناصری چه کسانی بودند و چه کارهایی انجام دادند؟
۲. محدوده وظایف و مسئولیت‌های این معمارباشی‌ها چه بود؟
۳. در طی پنجاه سال سلطنت ناصرالدین‌شاه، منصب معمارباشی چگونه و چرا تغییر کرد؟

۴. نک: یحیی ذکاء، «معماران، استادکاران دوران اسلامی».
۵. نک: زهره بزرگ‌نیا، معماران ایران.
۶. نک: زهرا برادران، تأملی در اصناف و شئون معماران دوره قاجاریه.
۷. متأسفانه پیش از نوشته اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار هیچ شاهدهی درباره تشکیلات معماری دربار ناصری در دست نیست.
۸. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۴۵.
۹. بنابر نتایج پژوهش حاضر، معمارباشی‌های عصر ناصری دقیقاً منطبق بر این فهرست نبوده‌اند. طبق شواهد نوشتاری، عبدالله‌خان قدری پیش از محمدتقی‌خان عهده‌دار منصب معمارباشی‌گری بوده است. به‌علاوه، شاهدهی در دست نیست که بر معمارباشی‌گری استاد حسین کاشانی دلالت کند.
۱۰. محمدعلی کریم‌زاده تبریزی، احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی، ج ۱، ص ۳۰۱.
۱۱. فرهادمیرزا قاجار، زنبیل، ص ۱۴۳.
۱۲. کریم‌زاده تبریزی، همان، ص ۳۰۱-۳۰۳.
۱۳. فرهادمیرزا قاجار، همان، ص ۱۴۲.
۱۴. خاوری شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، ج ۲، ص ۸۷۶.

به تعبیری از این زمان آغاز می‌شود، به‌مثابه سرنخی است برای فهم مسائل معماری امروز ما.

در مقاله حاضر، با تکیه بر منابع نوشتاری و با راهبرد تاریخی سعی خواهیم کرد تا احوال و آثار معمارباشی‌های دربار ناصری، محدوده وظایف و مسئولیت‌های آنها، و نیز سیر تحول و دگرگونی منصب معمارباشی‌گری در برهه پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین‌شاه را تحلیل و تفسیر کنیم تا از این طریق تصویر مبهم آنها قدری شفاف‌تر شود. خوشبختانه، به‌سبب جایگاه و اهمیت این اشخاص، شواهد نوشتاری قابل توجهی درباره‌شان وجود دارد، باین‌حال، تاکنون پژوهش‌های مجزایی درباره آنها صورت نگرفته است. از اشارات اندک و پراکنده یحیی ذکاء^۴ و زهره بزرگ‌نیا^۵ به معمارباشی‌های دوره قاجاریه که بگذریم، یگانه پژوهش جدی در این زمینه پایان‌نامه کارشناسی ارشد زهرا برادران با عنوان تأملی در اصناف و شئون معماران دوره قاجاریه است.^۶ باین‌حال، در هیچ‌یک از موارد فوق، مؤلفان بر معمارباشی‌ها و منصب معمارباشی‌گری تمرکز نکرده‌اند. این نوشتار مشتمل بر سه پاره است. پاره نخست درباره آثار و احوال معمارباشی‌های دربار ناصری است، از جمله تاریخ ولادت و فوت، شأن و منزلت، و نیز آثار و کارهای آنها پیش و پس از رسیدن به منصب معمارباشی‌گری. از آنجاکه درباره این اشخاص اطلاعات بسیار کمی در دست است، در این پاره با استناد به منابع درجه اول، تک‌نگاری موجزی از آثار و احوال یک‌یک آنها به‌دست می‌دهیم. در پاره دوم، وظایف و مسئولیت‌های معمارباشی‌ها را تحلیل می‌کنیم، فارغ از آنکه چه کسی عهده‌دار این منصب بوده است. پاره سوم به تبیین سیر و چگونگی تحول این منصب در برهه پنجاه ساله سلطنت ناصرالدین‌شاه، در کنار دیگر مناصب و نقش‌های تشکیلات معماری دربار، اختصاص دارد. در نهایت نیز به چرایی این تحول و عوامل مؤثر در آن می‌پردازیم.

۱. اشخاص

به تاریخ ۱۳۰۶ق اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار فهرست معمارباشی‌های دربار ناصری را در ذیل عنوان «اعضای ریاست بناخانه و منصب معمارباشی‌گری» ذکر کرد.^۷ «محمدتقی‌خان معمارباشی، استاد حسین کاشانی، عبدالله‌خان، محمدابراهیم‌خان وزیر نظام، حاج ابوالحسن اصفهانی صنیع‌الملک، حاج حسین‌علی اصفهانی صنیع‌الملک»^۸ اعضای این فهرست بودند که در عصر

نقش کند.^{۱۴} از دیگر آثار او در عصر فتحعلی‌شاه عمارت چشمه بود که برای تاج‌الدوله، همسر شاه، ساخت.^{۱۵}

در عصر محمدشاه، عبدالله‌خان همچنان مهم‌ترین و متنفذترین صنعتگر دربار بود، تا آن حد که به سال ۱۲۵۵ق شاه او را به ریاست همهٔ صنعتگران و پیشه‌وران دربار برگزید. بنابر فرمان انتصاب عبدالله‌خان، که در میان اسلاف و اخلافش در دورهٔ قاجاریه بی‌نظیر است، او که ابتدا «در سلک نقاشان نقاش‌خانهٔ همایون سلطانی» بود، به سبب لیاقت و قابلیت، «در نقاش‌خانهٔ اقدس به لقبِ باشیگری ملقب و به خطابِ خانی مخاطب گردید»؛ اما بعدها، به سبب استادی‌اش «در نقاشی و طراحی بیوتات»، به منصبِ باشیگریِ معماران و سایر پیشه‌وران و صنعتگران بیوتاتِ خاصهٔ نیز منصوب شد.^{۱۶} جایگاه و شأن عبدالله‌خان در ریاست بر همهٔ صنعتگران دربار، و نه فقط معماران، در میان همهٔ معمارباشی‌های دورهٔ قاجاریه منحصر به فرد است. او نه فقط مقام ریاست و نظارت بر کارهای

ناصری به ترتیب، یکی پس از دیگری، به این سمت‌ها منصوب شدند.^۹ نوشتهٔ اعتمادالسلطنه، با وجود برخی ابهام‌های جزئی، دقیق‌ترین فهرستی است که از معمارباشی‌های عصر ناصرلی در دست داریم؛ از این رو در این پاره آن را مبنای کار قرار می‌دهیم.

۱.۱. عبدالله‌خان معمارباشی

عبدالله‌خان که از اواخر عصر فتحعلی‌شاه معمارباشی دربار بود، در چند سال اول سلطنت ناصرالدین‌شاه نیز این منصب را بر عهده داشت و از این رو در میان اعضای فهرست اعتمادالسلطنه متقدم‌ترین معمارباشی به لحاظ سابقه است. محمدعلی کریم‌زادهٔ تبریزی در *احوال و آثار نقاشان قدیم ایران* تاریخ ولادت او را در حدود سال‌های ۱۱۹۷-۱۲۰۰ق تخمین زده است.^{۱۰} عبدالله‌خان که اصالتاً اصفهانی بود، نخست نقاش‌باشی و سپس معمارباشی دربار فتحعلی‌شاه شد. او در عهد سلطنت فتحعلی‌شاه، محمدشاه و ناصرالدین‌شاه عهده‌دار این مناصب و از صنعتگران طراز اول دربار بود. بنابر روایت فرهادمیرزا، او تا تاریخ پانزدهم رجب ۱۲۷۶ق زنده بوده، اما در ۱۲۸۳ق دیگر در قید حیات نبوده است.^{۱۱} بنابراین می‌بایست بین سال‌های ۱۲۷۶-۱۲۸۳ق بدروود حیات گفته باشد.

به سال ۱۲۲۸ق، عبدالله‌خان نقاش‌باشی دربار فتحعلی‌شاه بود، اما منصب معمارباشیگری را شخصی دیگر در عهده داشت. این امر از تابلوی صف سلام در کاخ نگارستان، از مهم‌ترین آثار نقاشی عبدالله‌خان، پیداست (ت ۱).^{۱۲} در این تابلو که به سال ۱۲۲۸ق نقاشی شده، او تصویر خود را با عنوان «آقا عبدالله نقاش‌باشی» در کنار «معمارباشی» نقش کرده است.^{۱۳} اما به سال ۱۲۴۸ق، در اواخر عهد فتحعلی‌شاهی، عبدالله‌خان هر دو سمت را داشت. بنابر روایت مؤلف *تاریخ ذوالقرنین* در ذکر وقایع سال ۱۲۴۸ق، «عبدالله‌خان اصفهانی نقاش‌باشی و معمارباشی که در صنایع مهندسی و نقاشی، ثانی سنمار و مانی» بود مأمور شد تا بر سنگ‌های چشمه علی نزدیک تهران صف سلامی

۱۵. احمدمیرزا قاجار، *تاریخ عضدی*، ص ۲۶.
۱۶. نک: محمدشاه، «فرمان محمدشاه در خصوص اعطای لقب باشیگری نقاش‌خانه و خطاب‌خانی به عبدالله‌خان»؛ ایرج افشار، «فرمان محمدشاه برای معمارباشی دربار».

ت ۱. «تابلو صف سلام»، اثر عبدالله‌خان نقاش‌باشی، ۱۲۲۸ق. تصویر آقا عبدالله نقاش‌باشی (معمارباشی بعدی) در کنار آقاخان معمارباشی. عکس از مینا رمضان جماعت.



۱۷. رضاقلی‌خان هدایت، تاریخ روضه الصفای ناصری، ج ۱۵، ص ۸۳۱۹.
۱۸. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۹۰؛ همو، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۱۵؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۷۶.
۱۹. حسین محبوبی اردکانی، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه: جلد دوم، ص ۵۱۵.
۲۰. روزنامه شرف، ش ۴۶ (ذی‌حجه ۱۳۰۳ق).
۲۱. محمدتقی سپهر، ناسخ‌التواریخ، ج ۲، ص ۹۳۵.
۲۲. اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۱۹.
۲۳. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۳۴۴، ص ۷۶۳.
۲۴. همان، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۷۶.
۲۵. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۹۴.
۲۶. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۶۴۹؛ اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۲، ص ۱۱۵۱.
۲۷. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۲، ص ۱۶۳۴؛ اعتمادالسلطنه، مرآة البلدان، ج ۲، ص ۱۲۴۲.
۲۸. روزنامه دولت علیه ایران، ج ۱، ص ۲۹.
۲۹. روزنامه ایران، ج ۴، ص ۳۰۴۰.
۳۰. روزنامه شرف، ش ۴۶ (ذی‌حجه ۱۳۰۳ق).
۳۱. ممتحن‌الدوله، خاطرات ممتحن‌الدوله، ص ۱۷۲، ۱۷۵.
۳۲. همان، ص ۱۷۲-۱۷۳.
۳۳. «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۳۳۴.

معماری را بر عهده داشت، بلکه بنابر فرمان یادشده، ظاهراً در صنعت و عمل معماری نیز زبده و استاد بود.

در عصر محمدشاه، به سال ۱۲۶۱ق عبدالله‌خان معمارباشی شاخه‌ای از رود کرج را جدا کرد و تا شهر کشید.^{۱۷} در عصر ناصری نیز، به سال ۱۲۶۷ق، «عمارت و تجدید قلعه ارگ جدید دارالخلافه طهران» بر عهده او بود.^{۱۸} احتمالاً به سبب کهولت سن، عبدالله‌خان در همان سال‌های نخستین سلطنت ناصرالدین‌شاه از سمتش عزل شد و یا خود از آن کناره گرفت.

۲.۱. محمدتقی‌خان معمارباشی

محمدتقی‌خان معمارباشی اهل آذربایجان و پدر محمدابراهیم‌خان معمارباشی و منیرالسلطنه، مادر کامران میرزای نایب‌السلطنه، بود.^{۱۹} در فهرست اعتمادالسلطنه، نام محمدتقی‌خان معمارباشی پیش از بقیه ذکر شده است؛ باین‌حال، بسیار بعید است که او به لحاظ زمانی متقدم بر عبدالله‌خان بوده باشد. تاریخ دقیق انتصاب محمدتقی‌خان به منصب معمارباشیگری معلوم نیست؛ اما بنابر گزارش اعتمادالسلطنه در روزنامه شرف، او در زمان محمدشاه نیز «منصب معمارباشیگری و اداره کل تعمیرات عمارات سلطنتی ممالک محروسه» را بر عهده داشته است.^{۲۰} بنابر یکی از فقرات ناسخ‌التواریخ نیز محمدتقی‌خان به سال ۱۲۶۴ق، یعنی در عهد سلطنت محمدشاه، معمارباشی دربار بوده است.^{۲۱} با این اوصاف، در واپسین سال‌های حکومت محمدشاه و نخستین سال‌های حکومت ناصرالدین‌شاه، عبدالله‌خان و محمدتقی‌خان به‌طور هم‌زمان منصب معمارباشیگری دربار را بر عهده داشته‌اند که از مسائل غامض و پیچیده مربوط به سازوکار معماری سلطنتی در دربار ناصری است.

دارالفنون^{۲۲}، بناهای درون و بیرون ارگ سلطنتی^{۲۳}، باغ‌های لاله‌زار، نگارستان، قصر قاجار^{۲۴}، و نیز عمارت کلاه‌فرنگی کاخ گلستان^{۲۵} از جمله کارهای معماری محمدتقی‌خان، اعم از ساخت‌وسازها و مرمت‌ها، در خلال سال‌های ۱۲۶۷-۱۲۷۰ق

بود. به سال ۱۲۶۹ق، ناصرالدین‌شاه او را به سبب بعضی خدماتش نواخت و یک ثوب جبه ترمه به او عطا کرد.^{۲۶} به تاریخ ربیع‌الثانی ۱۲۷۲ق، بعضی باغ‌ها و اراضی به او واگذار شد تا آنها را به فروش برساند^{۲۷} و این از آخرین خبرهایی است که از او در دست داریم. از آنجاکه به تاریخ ربیع‌الاول ۱۲۷۷ق مؤلف روزنامه دولت علیه، در اشاره به کارهای محمدابراهیم معمارباشی، او را «پسر مرحوم محمدتقی‌خان معمارباشی» خوانده است،^{۲۸} محمدتقی‌خان در حد فاصل سال‌های ۱۲۷۲-۱۲۷۷ق در گذشته است.

۳.۱. محمدابراهیم‌خان معمارباشی

محمدابراهیم‌خان پس از پدرش، محمدتقی‌خان، به منصب معمارباشیگری دربار ناصری رسید (ت ۲ و ۳). در بین معمارباشی‌های دربار ناصری، او بیش از همه هم‌قطارانش و قریب به بیست سال، ح ۱۲۷۷-ح ۱۲۹۸ق، عهده‌دار این منصب بود. محمدابراهیم‌خان در صفر ۱۳۰۹ق بدرود حیات گفت و از آنجاکه در هنگام مرگ ۷۵ سال داشت،^{۲۹} می‌بایست متولد ۱۲۳۴ق بوده باشد.

سیر ترقی محمدابراهیم‌خان بیشتر همچون مدیران بلندمرتبه دربار بود تا معمارباشی‌ها و از این حیث در تشکیلات معماری دربار ناصری مطلقاً استثنا بود. در شماره ۴۶ روزنامه شرف به تاریخ ۱۳۰۳ق، شرح حال مختصری از زندگی و سیر ترقی او، از معمارباشیگری به «وزارت دارالخلافه»، «اداره خزانه نظام» و «وزارت نظام» درج شده است.^{۳۰} برای دیگر هم‌قطاران او، انتصاب به معمارباشیگری منتها درجه پیشرفت بود، اما محمدابراهیم‌خان از این فراتر رفت و به بالاترین مدارج و مناصب دربار دست یافت.

ظاهراً او در فن معماری تبخّر چندانی نداشته و وظایف و مسئولیت‌هایش محدود به کارهای نظارتی و مدیریتی بوده است. ممتحن‌الدوله در خاطراتش به تصریح از ناواردی محمدابراهیم‌خان در کارهای معماری نوشته است. برطبق

گزارش روزنامه وقایع اتفاقیه، در خرابی‌های سیل شمیران، «آقا محمدابراهیم پسر عالی‌جاه معماری» را به‌همراه برخی مباشران دیگر و عمله‌ها برای هدایت آب به خندق فرستادند تا مانع آسیب دیدن عمارت‌های سلطنتی شوند.^{۳۵} نخستین کار معماری مهم او ساخت عمارت بادگیر و دریاچه جدید چهل‌ستون کاخ گلستان به سال ۱۲۷۷ق بود که به‌سبب آن یک ثوب جبهه ترمه کرمانی از ناصرالدین‌شاه دریافت کرد.^{۳۶} دو سال بعد نیز، در ۱۲۷۹ق، به سبب مراقبت کامل در انجام دادن خدماتش به لقب خانی نائل شد.^{۳۷}

در حد فاصل سال‌های ۱۲۸۱-۱۲۹۶ق بسیاری از ساخت‌وسازهای دربار ناصری در دست محمدابراهیم‌خان معماری‌باشی بود. قصر قاجار^{۳۸}، دریاچه بزرگ میدان ارگ^{۳۹}،

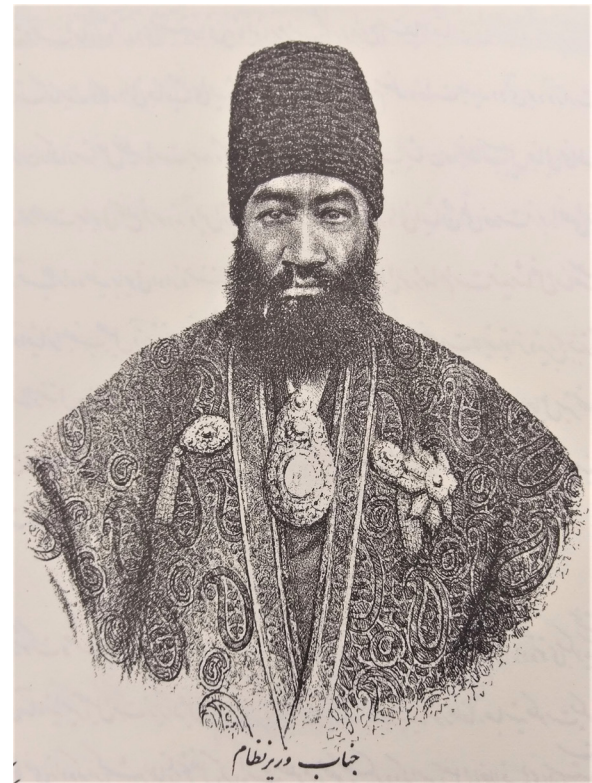
نوشته‌های او، معماری‌باشی اگرچه نیک‌نفس و خوش‌نیت بود، «اصلاً بویی از معماری نبرده بود».^{۴۰} همو در چند موضع دیگر از خاطراتش، از جمله در ذکر ماجرای ساخت حوض میدان ارگ^{۴۱} به نابلدی محمدابراهیم‌خان در کار معماری تصریح کرده است. باین‌حال، بعضی اسناد و مدارک را می‌توان به مشارکت او در کار معماری نیز تعبیر کرد، از جمله دو سند به سال‌های ۱۲۹۱ق^{۴۲} و ۱۲۹۶ق.^{۴۳} این احتمال هست که محمدابراهیم‌خان به سبب آنکه سالیان دراز معماری‌باشی دربار بود، در سال‌های پایانی تصدی این منصب، تا حدی به عمل معماری وقوف یافته باشد.

نخستین شاهد بر دخالت او در کارهای معماری به سال ۱۲۶۹ق بازمی‌گردد، زمانی که هنوز معماری‌باشی نشده بود. بنابر

۳۴. «تلگراف‌های مظفرالدین میرزا، مخبرالدوله، صدر اعظم، سپهسالار، امین‌السلطان و غیره»، ص ۳۲.
 ۳۵. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۳۳۹.
 ۳۶. روزنامه دولت علیه ایران، ج ۱، ص ۲۹.
 ۳۷. همان، ج ۱، ص ۴۷۰.
 ۳۸. همان، ج ۲، ص ۷۰۷.
 ۳۹. همان، ج ۲، ص ۳۳۳.
 ۴۰. «نامه‌های عزیزخان مکری، سعید انصاری، عین‌الملک، حسام‌السلطنه، اعتضادالسلطنه، مشیرالدوله، و سپهسالار به شاه»، ص ۳۴۶.

۴۱. ناصرالدین‌شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار: از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ق، ص ۲۴.
 ۴۲. نک: «نامه‌های سعید انصاری، فیروز میرزا، عزیزخان مکری، نیرالملک، مستوفی‌الممالک»، ص ۱۶، ۱۰۶، ۱۴۰، ۱۷۰، ۱۷۶، ۲۰۱، ۳۴۲، ۳۷۲.
 ۴۳. نک: روزنامه دولت علیه ایران، ج ۲، ص ۱۱۸۶؛ «دستور به علاءالدوله: لزوم بازدید معماری‌باشی و برآورد مخارج جهت ساختن چند اطاق، آشپزخانه، حمام عمومی و... در قاجارود».

ت ۲ (چپ). تصویر محمدابراهیم‌خان معماری‌باشی، مأخذ: مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۷-۱-۳۸۹.
 ت ۳ (راست). تصویر محمدابراهیم‌خان وزیرنظام (معماری‌باشی پیشین)، مأخذ: روزنامه شرف، ش ۴۶ (ذی‌حجه ۱۳۰۳ق).



عمارت تلگرافخانه، سلطنت‌آباد^{۴۰}، شهرستانک^{۴۱}، لاله‌زار، سلیمانیه، عمارت مهد علیا^{۴۲}، بناهای جاجرد^{۴۳}، میدان توپخانه^{۴۴}، خندق مابین دروازه شمیران و دروازه دوشان‌تپه^{۴۵}، و نیز کاخ گلستان^{۴۶} از جمله مشغولیت‌های متعدد او در این سال‌ها بود.

آخرین سال‌های تصدی محمدابراهیم‌خان بر منصب معمارباشیگری در هاله‌ای از ابهام است. اعتمادالسلطنه که در خبر مورخ ربیع‌الاول ۱۲۹۸ق *روزنامه ایران* او را با عنوان معمارباشی توصیف کرده،^{۴۷} سه ماه پس از آن، در یادداشت‌های روزانه‌اش او را «معمارباشی عتیق و وزیر دارالخلافه کنونی» خوانده است.^{۴۸} در ۱۳۰۰ق حاجی ابوالحسن رسماً به منصب معمارباشیگری دربار منصوب شد.^{۴۹} بنابراین، وضعیت منصب معمارباشیگری در خلال سال‌های ۱۲۹۸-۱۳۰۰ق، تا حدی مبهم و نامشخص است. بنابر یک فرض، در این دو سال محمدابراهیم‌خان در عین اشتغال به وزارت دارالخلافه عهده‌دار منصب معمارباشیگری هم بوده است. این احتمال نیز هست که در این دو سال کسی منصب معمارباشیگری را در عهده نداشته و کارها و وظایف مربوط به این سمت بر عهده عاملان دیگر از جمله رؤسای بنایی و رئیس معماران، حاجی ابوالحسن، بوده است.

در بین معمارباشی‌های دربار ناصری، محمدابراهیم‌خان، به‌علت نسبت سببی با ناصرالدین‌شاه، شأنی بالاتر از همه هم‌قطارانش داشت. او برادر منیرالسلطنه، همسر ناصرالدین‌شاه، و دایی کامران میرزا نایب‌السلطنه بود.^{۵۰} احتمالاً به همین سبب بود که در مکاتبات دیوانی او را «مقرب الخاقان» می‌خواندند.^{۵۱} همچنین او یگانه معمارباشی دربار بود که تصویرش در روزنامه‌های عصر ناصری درج می‌شد.^{۵۲} ناصرالدین‌شاه همواره به او لطفی خاص داشت و او را به سبب خدمات کوچک و بزرگش با مرحمت‌هایی می‌نواخت که به لحاظ کیفیت و کمیت در قیاس با اسلاف و اخلافش بی‌نظیر بود.^{۵۳}

۱.۴. استاد حسین معمار

در فهرست اعتمادالسلطنه از میان معمارباشی‌های دربار ناصری، استاد حسین کاشانی گمنام‌ترین است. دقیقاً مشخص نیست که او که بوده و در چه برهه‌ای در دربار ناصری به فعالیت اشتغال داشته است. این احتمال هست که اعتمادالسلطنه سهواً نام او را در میان معمارباشی‌های دربار ناصری ذکر کرده باشد، چه نام او در هیچ جا با عنوان معمارباشی ذکر نشده است. در منابع نوشتاری مختلف، نام استاد حسین معمار در چند موضع ذکر شده، اما قدری بعید است که همه این اشارات به یک نفر راجع باشد.^{۵۴} اعتمادالسلطنه در دو موضع دیگر از نوشته‌هایش از استاد حسین معمار یاد کرده است. او در *تاریخ منتظم ناصری* از استاد حسین به عنوان مسئول بنایی‌های نظام نام برده^{۵۵} و در *المآثر و الآثار* استاد حسین‌خان صنیع لشکر، معمار نظام، را در فهرست اعضای اداره معمارخانه و فخرخانه آورده است.^{۵۶}

۱.۵. حاجی ابوالحسن معمارباشی

در دهه ۱۲۹۰ق حاجی ابوالحسن معمار طراز اول دربار ناصری بود که در میان دیگر معماران مرتبه و شأنی ممتاز داشت. در خبر *روزنامه ایران* به سال ۱۲۹۳ق، اعتمادالسلطنه او را «معمار مخصوص دیوان همایون» خوانده^{۵۷} و در سند بدون تاریخ دیگری، که احتمالاً به همان سال‌ها بازمی‌گردد، همین عنوان برای او به کار رفته است.^{۵۸} در خلال سال‌های ۱۲۹۸-۱۳۰۰ق، حاجی ابوالحسن که ترقی کرده بود با عنوان «رئیس معماران» خوانده می‌شد.^{۵۹} بنابر شواهد یادشده، در این سال‌ها او در مرتبه‌ای فراتر از همه معماران طراز اول دربار و در جایگاهی نزدیک به معمارباشی بوده است.

در ۱۳۰۰ق حاجی ابوالحسن به استدعای امین‌السلطان رسماً به معمارباشیگری دربار ناصری برگزیده شد.^{۶۰} بنابر نوشته مهدی بامداد، او «در سال ۱۳۰۳ق ترقی کرده، اداره بناخانه که جزء ادارات امین‌السلطان بود، به وی واگذار

۴۴. ناصرالدین‌شاه، *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر اول فرنگستان*، ص ۳۹۳.

۴۵. «گزارش اتمام کار خندق مابین دروازه شمیران و دروازه دوشان‌تپه و درخواست تحویل کار و دریافت قبض/ دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه»، ص ۳.

۴۶. نک: «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۳۳۴؛ «گزارشی به ناصرالدین‌شاه در مورد اظهارات معمارباشی راجع به امور بنایی قصر عاج و شمس‌العماره ۲۷/ محرم ۱۲۹۲ق»؛ «تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب‌منصبان، حرمخانه مبارک و دستخط‌هایی از ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان»، ص ۲۲۸؛ ناصرالدین‌شاه، *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان* (۱۲۹۵هـ.ق)، ص ۳۵۵-۳۵۷، ۴۴۷؛ *روزنامه ایران*، ج ۲، ص ۱۶۰۱.

۴۷. *روزنامه ایران*، ج ۳، ص ۱۷۸۸.

۴۸. اعتمادالسلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*، ص ۷۵.

۴۹. *روزنامه ایران*، ج ۳، ص ۲۰۳۹؛ اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص ۲۱۰.

۵۰. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، ج ۳، ص ۲۹۳.

۵۱. نک: «نامه‌ای به ناصرالدین‌شاه مبنی بر شکایت معمارباشی از نحوه ارزیابی عملکرد وی / ۱۲۹۲ق / تهران»؛ «نامه‌های سعید انصاری، فیروز میرزا، عزیزخان مکرری، نیرالملک، مستوفی‌الممالک»، ص ۲۰۱، ۳۴۲، ۳۷۲؛ ناصرالدین‌شاه، *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۲۹۵ ه.ق)*، ص ۲۵۶.

۵۲. نک: *روزنامه دولت علیه ایران*، ج ۱، ص ۴۷۰؛ ج ۲، ص ۷۰۷؛ *روزنامه شرف*، ش ۴۶ (ذی‌حجه ۱۳۰۳ ق).

۵۳. در خلال سال‌های ۱۲۸۰-۱۲۹۸ ق نشان سرهنگی، دویست تومان اضافه موجب، یک ثوب جبه ترمه کشمیری، یک ثوب سرداری، یک قبضه قمه مرصع، یک قطعه کمر مرصع، دو قطعه گل کمر مرصع، نشان و حمایل سرتیپی، و یک قبضه عصای مرصع به او عطا شد (نک: *روزنامه دولت علیه ایران*، ج ۱، ص ۶۱۶؛ ج ۲، ص ۷۰۷، ۷۳۳، ۱۰۴۸، ۱۱۲۸، ۱۱۸۶، ۱۱۹۳؛ *روزنامه ایران*، ج ۳، ص ۱۷۸۸).

۵۴. از نخستین شواهد دربردارنده نام استاد حسین، اگر به همو راجع باشد، نامه‌ای است به سال ۱۲۸۰ ق. بنابر آن نامه، در جریان ساخت شمس‌العماره، خانه‌ای در مجاورت آن تخریب شده و استاد حسین معمار مسئول برآورد خسارت واردشده به خانه بوده است. نامه ممهور به مهری با عبارت «حسین منی، انا من حسین» ۱۲۵۳ است و اگر ۱۲۵۳ به سال سفارش مهر راجع باشد، در ۱۲۸۰ ق استاد حسین احتمالاً حدود ۵۵ یا شصت سال سن داشته است (نک: «نامه یکی از معماران در مورد تخریب‌خانه‌ای

ارزش دوهزار تومان برای دربار بسازد.^{۷۵} از نخستین آثار حاجی ابوالحسن با عنوان معمارباشی، و شاید بزرگ‌ترین ساخت‌وساز تاریخ کاخ گلستان، تخریب اندرونی قدیم و ساخت اندرونی جدید به سال‌های ۱۲۹۹-۱۳۰۰ ق بود.^{۷۶} سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۳ ق از برهه‌های پرکاری او در تشکیلات معماری دربار ناصری بود. ساخت‌وسازهای دوشان‌تپه^{۷۷}، برج طغرل^{۷۸}، جاجرود^{۷۹}، شهرستانک^{۸۰}، سرخه‌حصار^{۸۱}، دوشان‌تپه^{۸۲}، سلطنت‌آباد^{۸۳}، و کاخ گلستان^{۸۴} از جمله مشغولیت‌های معمارانه متعدد او در این سال بود. بنابر سندی به تاریخ ۱۳۰۴ ق، که ممهور به مهر معمارباشی است، حاجی ابوالحسن هم‌زمان به ساخت‌وسازهایی در سرخه‌حصار، صاحبقرانیه، سلطنت‌آباد، اقدسیه، عشرت‌آباد، عمارت خوابگاه، و نیز حرم‌خانه کاخ گلستان مشغول بوده^{۸۵} و گویا اینها در شمار آخرین کارهای معماری اوست.

بنابر روایت اعتمادالسلطنه، او به هنگام مرگ چنان متمول بود که به‌خانه‌اش طمع داشتند و ۴۵ هزار تومان از دارایی او را به ناصرالدین‌شاه دادند.^{۸۶} بنابر یکی از نامه‌های امین‌السلطان به ناصرالدین‌شاه که به سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۳ ق بازمی‌گردد، حاجی ابوالحسن در حدود ۸۰ هزار تومان دارایی داشته است.^{۸۷} ظاهراً او ثروت خود را در منزلش دفن کرده بوده، باین‌حال، بر آن دست یافتند و به شاه تقدیم کردند.^{۸۸}

۱.۶. حسین‌علی‌خان معمارباشی

پس از درگذشت حاجی ابوالحسن معمارباشی به سال ۱۳۰۵ ق، اداره معمارخانه و بنایی دولت، منصب معمارباشیگری، و لقب صنایع‌الملکی هم‌زمان به دامادش، حاجی حسین‌علی، عطا شد.^{۸۹} حسین‌علی‌خان در ۱۳۱۱ ق به مرگ غیرمترقبه در گذشت،^{۹۰} و اگر قول عین‌السلطنه درباره سن او در هنگام مرگ (ح ۵۸ سال) را صحیح بدانیم، باید تقریباً متولد ۱۲۵۳ ق بوده باشد.^{۹۱} عین‌السلطنه او را «مرد محیل باشعور ناقتلا» توصیف کرده^{۹۲} و بنابر *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه* او فردی

شد.^{۹۱} حاجی ابوالحسن پس از دریافت منصب معمارباشیگری به لقب صنایع‌الملکی هم نائل شد که زمان آن دقیقاً مشخص نیست. قدر مسلم، در شعبان ۱۳۰۴ ق این لقب را داشته؛ زیرا اعتمادالسلطنه در یادداشت‌های روزانه‌اش او را به این نام خوانده است.^{۹۲} حاجی ابوالحسن به تاریخ رجب ۱۳۰۵ ق درگذشت و از آنجاکه در زمان فوت ۶۰ سال سن داشته،^{۹۳} تاریخ ولادتش می‌بایست ح ۱۲۴۵ ق بوده باشد. بنابر نام و لقب کامل او، که حاجی ابوالحسن صنایع‌الملک اصفهانی است، احتمالاً اهل اصفهان بوده است.

حاجی ابوالحسن از پرکارترین معمارباشی‌های دربار ناصری بود و پیش از رسیدن به این منصب نیز کارهای زیادی در تشکیلات معماری دربار انجام داده بود. از جمله نخستین کارهای معماری او ساخت‌وسازهای دیرکاج در ۱۲۸۳ ق است.^{۹۴} در حدود سال‌های ۱۲۹۰-۱۲۹۲ ق، چنان جایگاهی در تشکیلات معماری دربار داشت که تنخواهی تقریباً معادل معمارباشی دریافت می‌کرد^{۹۵} و در جلسات عاملان بلندمرتبه معماری حاضر می‌شد.^{۹۶} به سال ۱۲۹۱ ق ناصرالدین‌شاه ساخت‌وسازهای بناهای نیاوران و راه‌آب‌ها و حوض‌های آن را به حاجی ابوالحسن سپرد.^{۹۷}

برهه ۱۲۹۴-۱۳۰۰ ق از سال‌های پرمشغله در زندگی حرفه‌ای حاجی ابوالحسن بود. از نخستین کارهای معماری مهم او در دربار ناصری ساخت بنایی در شهرستانک به سال ۱۲۹۴ ق بود.^{۹۸} به سال ۱۲۹۵ ق، در حین سفر دوم ناصرالدین‌شاه به فرنگستان، او عهده‌دار بسیاری از مرمت‌ها و ساخت‌وسازهای باغ‌ها و بناهای مختلف سلطنتی شد.^{۹۹} در خلال سال‌های ۱۲۹۴-۱۲۹۹ ق ساخت تالار سلام و تالار آینه،^{۱۰۰} اتاق موزه جدید^{۱۰۱}، و نیز مرمت بسیاری از بناهای کاخ گلستان^{۱۰۲} بر عهده او گذاشته شد. در ۱۲۹۸ ق در مدت دو ماه عمارت اندرونی شهرستانک را بنا کرد^{۱۰۳} که با پایان یافتنش یکصد تومان اضافه موجب به مداخل او افزودند^{۱۰۴} و قرار شد تا هر سال بناهایی به

—→

در مجاورت عمارت شمس العماره». در سندی دیگر به تاریخ ۱۲۹۲ق، شخصی که در متن نامه خود را استاد حسین خوانده به تصریح خود مبلغی پول از گماشتگان سپهسالار گرفته است، اما نامه مبهور به مهر «محمدحسین» است («قبوض پرداخت مخارج تعمیرات و بنایی عمارت دوشان تپه قراولخانه و غیره توسط سپهسالار اعظم، وجیه اله میرزا»، ص ۵۹). بنجامین نیز در سفرنامه خود (۱۳۰۰-۱۳۰۲ق) از استاد حسین معمار، طراح باغ فردوس، به منزله یکی از دو معمار بزرگ ایران در آن زمان نام برده است (ساموئل گرین ویلر بنجامین، *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین شاه*، ص ۲۷۸).

۵۵. اعتمادالسلطنه، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، ص ۲۱۱۵.
 ۵۶. همو، *المآثر و الآثار*، ص ۳۹۶.
 ۵۷. *روزنامه ایران*، ج ۲، ص ۱۲۲۴.
 ۵۸. «تلگراف و نامه‌های ولیعهد، سپهسالار، اعتضادالدوله، امین اقدس، معزالدوله، ظل السلطان، اعتماد حضور، امیر نظام»، ص ۳.
 ۵۹. *روزنامه ایران*، ج ۳، ص ۱۸۵۹-۱۸۶۰.
 ۶۰. همان، ج ۳، ص ۲۰۳۹.
 ۶۱. بامداد، همان، ج ۱، ص ۳۴؛ باین حال، بامداد شاهی در این باره ذکر نکرده است.
 ۶۲. اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص ۴۹۷.
 ۶۳. همان، ص ۵۵۴.
 ۶۴. *روزنامه ایران*، ج ۲، ص ۱۲۲۴.
 ۶۵. «دستور شاه به علاءالدوله مبنی بر دادن وجه به معمارباشی و حاجی ابوالحسن»، ص ۲؛ اعتمادالسلطنه،

متمول بوده است.^{۹۳} در فقره‌ای از *المآثر و الآثار* نام او «حاجی حسین‌علی‌خان اصفهانی» ذکر شده است،^{۹۴} توصیفی که حامل دو نکته است: نخست آنکه در زمان نگارش کتاب، ح ۱۳۰۶ق، حاجی حسین‌علی لقب خانی داشته و دوم آنکه احتمالاً از اهالی اصفهان بوده است.

حاجی حسین‌علی پنجمین و آخرین معمارباشی دربار ناصری بود. او نیز همچون سلف خود، حاجی ابوالحسن، معماری می‌دانست و بر هر دو جنبه عملی و مدیریتی معماری تسلط داشت. بنابر روایت اعتمادالسلطنه، حاجی حسین‌علی در خلال سال‌های ۱۲۹۰-۱۲۹۲ق معمار باغ‌های سلطنتی بوده است.^{۹۵} از این رو، در *تاریخ منتظم ناصری* که پیش از انتصاب او به سمت معمارباشیگری نوشته شده، نامش در شمار اعضای «اداره باغات و عمارات و قنوات دولتی» و با عنوان «معمار مخصوص» ذکر شده است.^{۹۶} احتمالاً در حدود سال‌های ۱۲۹۵-۱۲۹۶ق بود که حاجی حسین‌علی رسماً وارد تشکیلات معماری دربار ناصری شد. در نمایشگاه ۱۲۹۵ق پاریس، معماری عمارت ایران را او بر عهده داشت.^{۹۷} ناصرالدین‌شاه در سفرنامه خود این عمارت را ستوده، اما از شیوه نگارش او پیداست که چندان با استاد حسین‌علی آشنا نبوده، زیرا او را «خویش حاجی ابوالحسن» معرفی کرده است.^{۹۸} احتمالاً پس از این واقعه بود که حاجی حسین‌علی رسماً به تشکیلات معماری دربار ناصری راه یافت. در سندی که احتمالاً به تاریخ ۱۳۰۰ق است، سخن از پرداخت هزینه‌های تعمیر باغات مبارک به امین‌الملک توسط حاجی حسین‌علی معمار مخصوص است. در انتهای سند، مهر او با عبارت «حسینعلی ۱۲۹۶» به چشم می‌خورد که احتمالاً به تاریخ ساخت مهر راجع است.^{۹۹} اگر این فرض صحیح باشد، احتمالاً بدین معناست که او از سال ۱۲۹۶ق وارد تشکیلات معماری دربار ناصری شده است.

حاجی حسین‌علی به قدر سلفش پرکار نبود. تا زمانی که حاجی ابوالحسن در قید حیات بود، بیشتر ساخت‌وسازها را

او بر عهده داشت و وقتی او چشم از جهان فرو بست، میل ناصرالدین‌شاه به ساخت‌وساز نیز تا حدی فروکش کرده بود. بنابراین، حسین‌علی‌خان، با عنوان معمارباشی، مجال چندانی برای عرض اندام نیافت. بنابر سندی که به ح ۱۲۹۰-۱۲۹۸ق بازمی‌گردد، حاجی حسین‌علی معمار مسئول «ناتمامی‌های بنایی‌های دوشان تپه و برج کبوترخان و مرغ‌دان (?) و خرابی دیوار باغ به واسطه سیل و شبکه آجری و غیره» بوده است.^{۱۰۰} در سندی دیگر مربوط به سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ق، سخن از اهتمام او در بنایی و تعمیرات و تنظیف سلطنت‌آباد است.^{۱۰۱} ساخت‌وسازهای مربوط به باغ شاه و برج آن^{۱۰۲}، حوض دیوان‌خانه کاخ گلستان^{۱۰۳}، و تالار برلیان^{۱۰۴} از معدود کارهای معماری او در برهه معمارباشیگری‌اش است. کاخ ابیض از واپسین آثار اوست که در ۱۳۰۹ق به سبب ساخت آن نشان و حمایل سرتیپی درجه سوم از امین‌السلطان دریافت کرد.^{۱۰۵}

پس از فوت حسین‌علی‌خان صنیع‌الملک، سرنوشت منصب معمارباشیگری قدری نامعلوم است. از معدود شواهد موجود در این باره گزارش عین‌السلطنه به تاریخ ۱۳۱۱ق است. بنابر *روزنامه خاطرات* او، پس از درگذشت حاجی حسین‌علی‌خان معمارباشی،

لقب معمارباشی‌گری و موجب و کار را به خود رضاخان دادند، به وکالت و نیابت عمویش. دوهزار تومان تمسک برای تقدیم گرفتند. گویا اعلیحضرت [ناصرالدین‌شاه] قبول نفرموده، رد شده. اما به نظر مطلبی خیلی غریب می‌آید. اگر شده باشد از نوادر اتفاقات است. لقب صنیع‌الملک گویا به پسر آن صنیع‌الملک نقاش‌باشی مرحمت شد. در اینجا اهمال شد.^{۱۰۶}

از این فقره معلوم نیست که ناصرالدین‌شاه دقیقاً از پذیرفتن چه چیزی سر باز زده است؛ از پیشنهاد معمارباشی شدن رضاخان یا قبول دوهزار تومان پیشکش او. اگر احتمال دوم را بپذیریم، به آن معناست که رضاخان منصب معمارباشیگری را بدون پرداخت پیشکش دریافت کرده است. باین حال، فقره نخست

روزنامه *خاطرات اعتماد السلطنه*، ص ۴.
۶۶. «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۳۲۴.

۶۷. همان، ص ۳۱۱.
۶۸. *روزنامه شرف*، ش ۲۱ (شوال المکرم ۱۳۰۱ ق).

۶۹. نک: «تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب‌منصبان، حرمخانه مبارکه و دستخط‌هایی از ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان»، ص ۷۸، ۸۱، ۱۴۸، ۲۲۸، ۲۲۶؛ ناصرالدین‌شاه، *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۲۹۵ هـ.ق)*، ص ۳۳۲-۳۳۵، ۳۵۵-۳۵۷.
۷۰. یحیی ذکا، *تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان*، ص ۲۱۹-۲۲۰، ۲۲۶.

۷۱. «تلگراف‌های مظفرالدین میرزا، مخبرالدوله، صدر اعظم، سپهسالار، امین‌السلطان و غیره»، ص ۳۲، ۵۶؛ «نامه‌های مقامات کشوری و لشکری به شاه در خصوص وصول مالیات، ارسال پیشکشی، رسیدگی به اختلافات مالی و ملکی و غیره»، ص ۶۴.

۷۲. نک: «درخواست اجازه از شاه درباب انجام تعمیرات دیوانخانه و تخت مرمر / دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه»، «تلگراف و نامه‌های ولیعهد، ظل‌السلطان، مستوفی‌الممالک، امین‌السلطان، امین‌الملک، طولوزان، امیر نظام، عضدالدوله، عزالدوله و نایب‌السلطنه»، ص ۶.

۷۳. *روزنامه ایران*، ج ۳، ص ۱۸۵۹-۱۸۶۰.

۷۴. *اعتماد السلطنه*، *تاریخ منتظم ناصری*، ج ۳، ص ۲۰۲۴-۲۰۲۵.

محلات دارالخلافة» به او واگذار شده است.^{۱۰۷} معماری‌های دربار ناصری نیز تقریباً همواره عهده‌دار ساخت‌وسازهای متعدد و هم‌زمان بودند. از این‌رو، حتی اگر معماری می‌دانستند، قطعاً فرصت و مجال کافی نداشتند تا در همه این ساخت‌وسازها در نقش معمارِ عامل حاضر شوند. بنابر اسناد و مدارک فراوان به‌جامانده از سال‌های ۱۲۸۳-۱۲۸۴ ق^{۱۰۸} و ۱۲۹۵ ق^{۱۰۹} رسیدگی هم‌زمان به بسیاری از ساخت‌وسازهای سلطنتی بر عهده محمدابراهیم‌خان معماری‌باشی بوده است. این امر درباره معماری‌باشی بعدی، حاجی ابوالحسن معماری‌باشی، نیز صادق است. بنابر تلگرافی از او به تاریخ ۱۳۰۴ ق، مجموعه وسیعی از ساخت‌وسازها زیر نظر و تحت رسیدگی او بوده است.^{۱۱۰} همچنین در تلگرافی به سال ۱۳۰۶ ق، در حین سومین سفر ناصرالدین‌شاه به فرنگ، حاجی حسین‌علی معماری‌باشی از سرکشی‌ها و رسیدگی‌های خود به کارهای مختلف معماری سخن گفته است.^{۱۱۱} به بیان دیگر، کار معماری‌باشی‌ها «مراقبت» و رسیدگی به مجموعه ساخت‌وسازهای دربار بود. به سال ۱۲۹۸ ق، در ذکر سبب اعطای یک قطعه گل‌کمر مرصع به محمدابراهیم‌خان معماری‌باشی، خبری در *روزنامه ایران* منتشر شد مبنی بر اینکه او به سبب «مراقبت زایدالوصف» در بنای ابنیه دولتی و عمارات مبارکات به این هدیه سرفراز شده.^{۱۱۲} در سندی مربوط به سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ ق نیز، از کمال «مراقبت» حاجی ابوالحسن معماری‌باشی در ساخت و تعمیر بناهای سلطنتی سخن به میان آمده است.^{۱۱۳}

در تشکیلات معماری دربار ناصری، معماری‌باشیگری اساساً منصبی مدیریتی بود، از این‌رو انتصاب اشخاص به این سمت به معنای وقوف آنها بر فنون و دقایق معماری نبود. در عمل، کارهای معماری را معماران طراز اول، بناها، و عمده‌ها بر عهده داشتند. در بعضی منابع، این سلسله‌مراتب به‌خوبی مشخص است. در نامه‌ای که احتمالاً به پیش از ۱۲۹۰ ق و بنای‌های باغ سلطنت آباد باز می‌گردد، آمده است:

بیشتر مقرون به صحت است؛ زیرا پس از فوت حسین‌علی‌خان معماری‌باشی، هیچ شاهدی نیست که بر نام معماری‌باشی جدید دلالت کند، نه در *روزنامه رسمی ایران* و نه در منابع نوشتاری دیگر. به علاوه، در دو سال پایانی سلطنت ناصرالدین‌شاه ظاهراً ساخت‌وساز چندانی در دربار ناصری رخ نداد. قدر مسلم آن است که با درگذشت حسین‌علی‌خان، لقب صنیع‌الملکی از معماری‌باشی‌های اهل فن گرفته و دوباره به نقاشان داده شد.

۲. وظایف و مسئولیت‌ها

وظایف و مسئولیت‌های معماری‌باشی‌های دربار ناصری گسترده و متنوع و از یک شخص به شخص دیگر متفاوت بود. با این حال، ظاهراً بسیاری از کارها در میان آنها مشترک بود. رسیدگی و نظارت فنی هم‌زمان به مجموعه ساخت‌وسازهای سلطنتی، سرکشی حضوری به کارها، نظارت بر خرده‌کاری‌های مربوط به ساخت‌وسازها، مأمور شدن به ساخت تک بناها، مشورت در طراحی بناها، تعمیر و مرمت بناهای پیشین، گماشتن عاملان خرد بر سر کارها، برآورد ساخت‌وسازها و تعمیرات، تحویل کارها بر مبنای این برآوردها، و نیز رتق‌وفتق امور مالی وابسته به این قبیل کارها از جمله وظایف و مسئولیت‌هایی بود که همه معماری‌باشی‌های دربار ناصری، بیش‌وکم، به آنها اشتغال داشتند.

۱. مدیریت مجموعه ساخت‌وسازهای سلطنتی

مهم‌ترین وظیفه معماری‌باشی مدیریت و رسیدگی بر مجموعه ساخت‌وسازهای سلطنتی از وجه فنی بود. به بیان دیگر، آنها ناظر فنی مجموعه ساخت‌وسازهای سلطنتی بودند. این از فرمان و حکم عبدالله‌خان، معماری‌باشی دربار محمدشاه، نیز پیداست. در این حکم که به سال ۱۲۵۵ ق مرقوم شده، تعمیر مجموعه‌ای از عمارات خارج شهر، «از قصر قاجار و امامزاده قاسم و قلعهک و ارغوانیه و نگارستان دلگشا و لاله‌زار و بهارستان» و نیز مجموعه «باغات و عمارات داخل شهر و خانه‌های ضیعی

۷۵. همو، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۱۰۲.
۷۶. روزنامه شرف، ش ۲ (صفر ۱۳۰۰ ق).
۷۷. «نامه‌ها و گزارشاتی به ناصرالدین شاه»، ص ۱۱۸.
۷۸. روزنامه شرف، ش ۲۹ (رجب المرجب ۱۳۰۲ ق).
۷۹. ناصرالدین شاه، یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ قمری)، ص ۱۱۳ - ۱۱۴؛ حسین قلی نظام السلطنه مافی، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، ج ۱، ص ۱۱۳.
۸۰. نک: «تلگراف‌های شاه، صدر اعظم، امین السلطان، مقامات حکومتی، تجار و رعایا از طهران، مشهد و ولایات دیگر»، ص ۲۹۶، ۳۰۰؛ ناصرالدین شاه، یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ قمری)، ص ۱۹۰ - ۱۹۱، ۴۶۰.
۸۱. نک: ناصرالدین شاه، یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ قمری)، ص ۲۳۸، ۲۳۹، ۳۵۱.
۸۲. همان، ص ۱۶۰.
۸۳. همان، ص ۲۱۹؛ عبد امین، نامه‌هایی به ناصرالدین شاه، ص ۱۴۸.
۸۴. ناصرالدین شاه، یادداشت‌های روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ قمری)، ص ۴۹۵.
۸۵. «متن تلگراف‌ها، گزارش‌ها و نامه‌های مقامات حکومتی و لشکری به شاه، امین السلطان و سایرین»، ص ۲۹۶.
۸۶. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۵۶۳.
۸۷. عبد امین، همان، ص ۱۱۸.

به قدر ده نفر بنا و سی چهل نفر عمله و ناوه‌کش در امر گل‌کاری آنجا مشغول هستند. اگرچه استاد شیرجعفر معمار در آنجا نبود، لیکن آدمی که از مشارالیه در آنجا بود در توجه به کار سعی داشت. [...] اگرچه مقرب‌الخاقان معمارباشی در آنجا نبود، لیکن اسماعیل بیگ، نایب سرایدار باغ سلطنت‌آباد، در توجه داشتن به گل‌کاری باغ جدید غفلت ندارد.^{۱۱۴}

اهمیت سند فوق از آن روست که همه مراتب کار معماری در آن ذکر شده است: عمله‌ها که تعدادشان از همه عوامل بیشتر بوده کارهای ابتدایی همچون گل‌سازی را بر عهده داشته‌اند؛ بناها، یا همان معماران معمولی، به سبب تخصص بیشترشان در کار معماری تعدادشان از عمله‌ها کمتر بوده؛ شیرجعفر، که معمار طراز اول و استاد معمار بوده، در بالاترین سطح کار ساخت بنا را بر عهده داشته؛ و معمارباشی نیز عهده‌دار نظارت‌های فنی و مدیریتی بر روند ساخت بنا بوده است.

در ساخت‌وسازهای سلطنتی، معمارباشی‌ها بیشتر عهده‌دار امور عملی و فنی بودند. در یکی از فقره‌های شرح زندگانی من، عبدالله مستوفی به وظیفه و مسئولیت معمارباشی‌ها اشاره کرده و در توضیح سازوکار معماری در دربار ناصری، پس از اشاره به منصب ریاست بنایی، نوشته است:

بنایی‌های سلطنتی، چه از حیث پرداخت اجرت و کرایه مصالح از سر کوره تا پای کار و چه از حیث خرید لوازم، کار کمی نبود و رئیس درجه دومی هم لازم داشت که او را رئیس بناخانه می‌گفتند.^{۱۱۵}

در اینجا منظور عبدالله مستوفی از اصطلاح رئیس درجه دوم و رئیس بناخانه — اصطلاحی که اعتمادالسلطنه نیز در فهرست معمارباشی‌های دربار ناصری به کار برده — همان معمارباشی است. این شاهد به بهترین وجه حاکی از آن است که معمارباشی‌ها بیشتر عهده‌دار مدیریت امور عملی و فنی مربوط به ساخت‌وسازها بوده‌اند.

«معماری» از جمله اصطلاحاتی بود که در توصیف کار

معمارباشی‌ها به کار می‌رفت، به این نحو که گاه بعضی بناها را «به معماری» فلان معمارباشی می‌خواندند. در این موارد، مراد مؤلفان از کاربرد این اصطلاح در واقع همان نظارت‌های کلان در امور فنی ساخت بناها بوده است. بنابر توصیف اعتمادالسلطنه، دارالفنون را میرزا رضا مهندس‌باشی طراحی کرد و «به معماری محمدتقی‌خان معمارباشی» ساخته شد.^{۱۱۶} در نمونه‌ای مشابه، او تعمیرات عمارت‌های کاخ گلستان به سال ۱۲۶۹ ق را «به معماری محمد تقی‌خان معمارباشی» توصیف کرد.^{۱۱۷} به سال ۱۳۰۰ ق، همو بنایی‌های عظیم اندرونی کاخ گلستان را «به معماری حاجی ابوالحسن معمارباشی» خواند.^{۱۱۸} از جمله شواهد روشن‌گر در این باره، توصیف اعتمادالسلطنه از ساخت عمارت جاجرود است. به سال ۱۳۰۶ ق، او در المآثر و الآثار در توصیف عمارت جاجرود نوشت: «عمارت جدید به معماری معمارباشی، محمدابراهیم‌خان که حالا وزیر نظام است، در بیست سال قبل ساخته شد».^{۱۱۹} اگر به گزارش مورخ شعبان ۱۲۸۸ ق او رجوع کنیم، معنای این گزاره بهتر روشن می‌شود. در آن گزارش اعتمادالسلطنه درباره عمارت جاجرود نوشته است: «اراده علیّه ملوکانه به این تعلق یافت که قصری در نهایت رفعت و وسعت در جاجرود بنا شود»، بنابراین،

دستورالعمل و نقشه وضع آن به معمارباشی داده شد و در ظرف یک سال، عمارتی در نهایت شکوه و رفعت از جانب جنوب ساخته و پرداخته شد.^{۱۲۰}

مقایسه این فقرات حاکی از آن است که محمدابراهیم‌خان معمارباشی طراح بنا نبوده، بلکه طرح به او داده شده، و از آنجاکه معماری نمی‌دانسته، صرفاً مسئولیت نظارت بر ساخت بنا را بر عهده داشته است. این تفسیر عیناً درباره شاهد نخست این بند، ناظر بر ساخته شدن دارالفنون «به معماری محمدتقی‌خان»، نیز صادق است.

سرکشی حضوری به ساخت‌وسازها و تعمیرات خرد و کلان جزء لاینفک کار معمارباشی‌ها بود. بنابر سند بدون تاریخی

۸۸ حسین محبوبی اردکانی، چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین شاه: جلد دوم، ص ۵۲۴-۵۲۵؛ عین السلطنه در خاطراتش به تفصیل مطالبی دربارهٔ مصادر اموال او پس از مرگش نوشته است (قهرمان میرزا سالور، روزنامه خاطرات عین السلطنه، ج ۱، ص ۱۶۰-۱۶۳).

۸۹ روزنامه ایران، ج ۴، ص ۲۶۴۳.
۹۰ اعتماد السلطنه، همان، ص ۹۱؛ سالور، همان، ۵۵۴-۵۵۵؛ ناصرالدین شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع الاول ۱۳۱۰ تا جمادی الاول ۱۳۱۲، ص ۳۶۱.

۹۱ سالور، همان.
۹۲ همان.
۹۳ اعتماد السلطنه، همان، ص ۱۰۱۳.
۹۴ همو، المآثر و الآثار، ص ۳۱۸.
۹۵ همو، روزنامه خاطرات اعتماد السلطنه، ص ۹۱۱.
۹۶ نک: همو، تاریخ منتظم ناصری، ج ۲، ص ۱۲۹۳-۱۲۹۴ و ج ۳، ص ۲۱۱۵، ۲۱۳۹.

۹۷ «نامه‌های وزیر مختار ایران در فرانسه به وزیر امور خارجه ایران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه [۱۳]»، ص ۱۵۳-۱۵۵، ۱۶۳؛ تلگرافات عصر سپهسالار (خط تبریز) ۱۲۹۵-۹۶، ص ۱۲۷.
۹۸ ناصرالدین شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۲۹۵ ه.ق)، ص ۱۵۴.

۹۹ نک: «قبض‌های الواصل، صورت‌های جمع و خرج و امور مالی دربار ناصری و مظفری».

فن، به نقش معماران طراز اول در ساخت بناها میل کرد. به سال ۱۲۶۸ق، محمدتقی‌خان معمارباشی مأمور ساخت انبار توپخانه، قراول‌خانه‌ها، و نیز کارخانه بلورسازی و چینی‌سازی شد.^{۱۳۱} این روند در سال‌های بعد نیز ادامه یافت. عمارت بادگیر و دریاچهٔ جدید چهل‌ستون کاخ گلستان در ۱۲۷۷ق^{۱۳۲}، دریاچهٔ بزرگ میدان ارگ به سال ۱۲۸۱ق^{۱۳۳}، بعضی بناهای میدان توپخانه به سال ۱۲۹۰ق^{۱۳۴}، عمارت‌های مختلف جاجرود در سال‌های ۱۲۸۶-۱۲۹۱ق^{۱۳۵}، و نیز دفترخانهٔ کاخ گلستان به سال ۱۲۹۶ق^{۱۳۶} از جمله بناهایی بود که ساختشان به محمدابراهیم‌خان معمارباشی واگذار شد. در سال‌های ۱۳۰۱-۱۳۰۳ق نیز حاجی ابوالحسن معمارباشی عهده‌دار ساخت بناهایی در جاجرود،^{۱۳۷} سرخه حصار،^{۱۳۸} و شهرستانک^{۱۳۹} شد.

در موقعیت‌های معدودی، معمارباشی‌ها در طراحی بناها نیز دخالت می‌کردند و یا طرف مشورت قرار می‌گرفتند. البته طراحی بناها اصولاً جزو وظایف و مسئولیت‌های آنان نبود، بلکه رخدادی نادر و استثنایی بود. شواهد دال بر این امر، اگرچه اندک، بسیار مهم است. از نخستین این شواهد فرمان انتصاب عبدالله‌خان به منصب معمارباشی‌گری دربار محمدشاه به سال ۱۲۵۵ق است که در آن به توانایی و استادی او در «نقاشی و طراحی بیوتات» اشاره شده است.^{۱۴۰} همچنین بنابر روزنامهٔ خاطرات ناصرالدین شاه در ۱۳۰۳ق، حاجی ابوالحسن معمارباشی طرح اولیهٔ عمارت اندرونی سرخه حصار را در محضر او ریخته است.^{۱۴۱} گاه نیز معمارباشی‌ها صرفاً در طراحی بناها طرف مشورت بودند. بنابر یادداشت‌های روزانهٔ ناصرالدین شاه به سال ۱۲۸۳ق، او با محمدابراهیم‌خان معمارباشی دربارهٔ طرح عمارت شهرستانک گفتگو کرده است.^{۱۴۲}

۳.۲. تعمیر و مرمت بناها

حفظ و مرمت بناها از کارهای همیشگی تشکیلات معماری دربار ناصری بود و معمارباشی‌ها بیش از آنکه به ساخت بناهای جدید

که به ح ۱۲۸۹-۱۲۹۰ق باز می‌گردد، محمدابراهیم‌خان معمارباشی برای تحویل گرفتن خندق مابین دروازه شمیران و دوشان تپه به آنجا رفته و پس از بازدید از خرده‌کاری‌هایی ایراد گرفته است.^{۱۴۱} در سندی بدون تاریخ که احتمالاً به سال‌های ۱۲۹۵-۱۳۰۰ق بازمی‌گردد، مؤلف نامه نوشته است:

سه ساعت به غروب مانده، وارد عمارت شده، معمارباشی و حاجی ابوالحسن را حاضر نموده، بنایی‌ها را سرکشی نموده، دستور العمل لازمه صادر شد.^{۱۴۲}

اعتماد السلطنه نیز در روزنامهٔ خاطراتش به تاریخ رجب ۱۳۰۳ق نوشته که به اتفاق حاجی ابوالحسن معمارباشی برای سرکشی به مشکلات مهندسی عمارت تلگراف‌خانه و میدان توپخانه رفته است.^{۱۴۳}

با آنکه مقام و منصب معمارباشی‌ها بیشتر نظارت‌های کلان و کلی را اقتضا می‌کرد، گاه رسیدگی به کوچک‌ترین کارها نیز به آنها محول می‌شد. بنابر خبر درج‌شده در روزنامهٔ وقایع /تفاهیم به سال ۱۲۶۷ق، معمارباشی بر پخت آجر نظارت داشته است.^{۱۴۴} ساخت حوضی در میدان ارگ^{۱۴۵}، مفروش کردن اتاق تالار اندرون خوابگاه با آجر^{۱۴۶}، ساخت دیوار اتاق نظام و پی‌کشی آن^{۱۴۷}، پیگیری ساخت ارسی‌های شمس‌العماره توسط نجار^{۱۴۸}، و نیز برداشتن ارسی‌های سمت نارنجستان شمس‌العماره^{۱۴۹} از جمله خرده‌کاری‌های محمدابراهیم‌خان معمارباشی در خلال سال‌های ۱۲۸۴-۱۲۹۲ق است. این دربارهٔ معمارباشی‌های دیگر نیز صدق می‌کند. مثلاً، در ذی‌قعدة ۱۳۰۰ق، حاجی ابوالحسن معمارباشی سخت‌درگیر نازک‌کاری‌های حرم‌خانهٔ جدید کاخ گلستان بوده است.^{۱۵۰}

۲.۲. ساخت تک‌بناها

گاه نیز معمارباشی‌ها مأمور کارهای مربوط به ساخت تک‌بناها می‌شدند. در اوایل عصر ناصری این نقش بیشتر شبیه به مباشرت بود؛ اما با سر کار آمدن معمارباشی‌های زبده و صاحب

۱۰۰. «تلگراف و نامه‌های مظفرالدین قاجار، ظل‌السلطان، شمس‌الدوله، معتمدالحرم، سپهسالار، فرهادمیرزا، امین‌لشکر، احترام‌السلطنه، مستوفی‌الممالک»، ص ۲۵۳.
۱۰۱. «نامه‌ها، عرایض و گزارشاتی به ناصرالدین‌شاه»، ص ۲۱۹.
۱۰۲. نک: «تلگراف‌های حرمخانه مبارکه، حکام و صاحب‌منصبان و سواد بعضی تلگراف‌ها به دستخط ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان»، ص ۷۱، ۴۰۰.
۱۰۳. همان، ص ۳۱.
۱۰۴. «نامه‌های ظل‌السلطان، وزیر امور خارجه، صاحب اختیار، امین‌السلطان و مقامات کشوری و لشکری»، ص ۸۵.
۱۰۵. روزنامه ایران، ج ۴، ص ۳۰۷۸.
۱۰۶. سالور، همان، ص ۵۵۵-۵۵۶.
۱۰۷. نک: محمدشاه، «فرمان محمدشاه در خصوص اعطای لقب باشیگری نقاشخانه و خطاب‌خانی به عبدالله‌خان».
۱۰۸. نک: «نامه‌های سعید انصاری، فیروزمیرزا، عزیزخان مکری، نیرالملک، مستوفی‌الممالک»، ص ۱۶، ۱۰۶، ۱۴۰، ۱۷۰، ۱۷۶، ۲۰۱، ۳۴۲، ۳۷۲.
۱۰۹. «تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب‌منصبان، حرمخانه مبارکه و دستخط‌هایی از ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان»، ص ۲۲۸.
۱۱۰. «متن تلگراف‌ها، گزارش‌ها و نامه‌های مقامات حکومتی و لشکری به شاه، امین‌السلطان و سایرین»، ص ۲۹۶.
۱۱۱. «تلگراف‌های حرمخانه مبارکه، حکام و صاحب‌منصبان و سواد بعضی تلگراف‌ها به دستخط ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان»، ص ۷۱.

مأمور شوند، به تعمیر و مرمت بناهای موجود گماشته می‌شدند. به سال ۱۲۶۷ ق «تجدید قلعه ارگ جدید دارالخلافه طهران» را عبدالله‌خان معمارباشی انجام داد.^{۱۴۳} در سال‌های ۱۲۶۸-۱۲۶۹ ق تعمیر و مرمت دروازه‌های ارگ، تخته پل، بازارچه ارگ و دروازه‌ها^{۱۴۴}، باغ‌های لاله‌زار، نگارستان و قصر قاجار^{۱۴۵}، بعضی از بناهای درون و بیرون ارگ سلطنتی تهران^{۱۴۶}، و نیز کلاه‌فرنگی کاخ گلستان^{۱۴۷} به دست محمدتقی‌خان معمارباشی انجام شد. در سال‌های ۱۲۸۱-۱۲۹۸ ق محمدابراهیم‌خان معمارباشی بارها و بارها تعمیر بناهای قصر قاجار^{۱۴۸}، باغ لاله‌زار، سلطنت‌آباد و سلیمانیه^{۱۴۹}، و نیز بخش‌های مختلف کاخ گلستان^{۱۵۰} را بر عهده داشت. این قبیل کارها بخشی از وظایف حاجی ابوالحسن معمارباشی هم بود. بنایی‌ها و تعمیرات دوشان‌تپه^{۱۵۱}، برج طغرل^{۱۵۲}، شهرستانک^{۱۵۳}، سرخه‌حصار^{۱۵۴}، اتاق موزه کاخ گلستان^{۱۵۵}، و عمارت انیس‌الدوله^{۱۵۶} در شمار کارهای او در خلال سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۰۵ ق بود.

۲.۴. گماشتن عاملان خرد بر سر کارها

همه این کارهای خرد و کلان اقتضا می‌کرد که معمارباشی‌ها کسانی را بر سر کار بگمارند. البته انتخاب عاملان اصلی با آنها نبود. مباشران و معماران طراز اول را آنها انتخاب نمی‌کردند، بلکه معمولاً توسط مقامی مافوق آنها همچون ناصرالدین‌شاه یا رؤسای بنایی انتخاب می‌شدند. باین حال، انتخاب بنایان و عمله‌ها و عواملی از این دست با آنها بود. از گزارش‌های روزنامه وقایع اتفاقیه در سال‌های ۱۲۶۸-۱۲۶۹ ق پیداست که محمدتقی‌خان معمارباشی در مواضع و موقعیت‌های مختلف بناها و عمله‌هایی را بر سر کارهای معماری گماشته است.^{۱۵۷} در سند بدون تاریخ دیگری که به عهد ناصری بازمی‌گردد، مؤلف نامه نوشته که همه روزه از اول آفتاب، مقرب الخاقان، حاجی *** معمارباشی، با مباشرین و نویسندگان در سر بنایی‌ها حاضر شده و بنا و عمله‌جات زیادی گذاشته، مشغول بنایی هستند.^{۱۵۸}

۲.۵. رسیدگی و نظارت بر امور مالی ساخت‌وسازها

از دیگر وظایف معمارباشی‌ها برآورد ساخت‌وسازها و تعمیرات و نیز تحویل کارها بر مبنای این محاسبات بود. از آنجا که معمارباشی‌ها احتمالاً باسواد بودند و به‌هرحال با ظرایف ساخت‌وسازها آشنایی داشتند، این قبیل برآوردها به آنها محول می‌شد. در سندی که به حدود سال‌های ۱۲۸۲-۱۲۸۳ ق بازمی‌گردد، مؤلف نامه خطاب به ناصرالدین‌شاه نوشته:

نقشه به جهت ساختن تلگراف‌خانه اعتضادالسلطنه کشیده به نظر انور همایون رسانیده بود. به معمارباشی سفارش نمود که به قدر کفایت تلگرافچیان انگلیس و آنها برآوردی نماید، ببیند چند تمام می‌شود.^{۱۵۹}

در ح ۱۲۸۶ ق، معمارباشی مأمور بازدید از جاجرود و برآورد بناهای آنجا شد.^{۱۶۰} بنابر سند بدون تاریخ دیگری نیز که به عهد ناصری بازمی‌گردد، معمارباشی برای برآورد اخراجات سربازخانه‌ها فرستاده شده است.^{۱۶۱} از سوی دیگر، معمارباشی‌ها گاه ملزم بودند که درنهایت، پس از فرایند ساخت و تعمیر، بنایی‌ها را بر مبنای طومار برآورد تحویل دهند. به سال ۱۲۹۱ ق دو مستوفی بنایی‌های سالانه را بر طبق طومارهای برآورد تحویل معمارباشی دادند و او نیز متعهد شد که درنهایت بنایی‌ها را بر مبنای همان طومار برآورد تحویل دهد.^{۱۶۲}

معمارباشی‌ها گاه نیز مسئول تأمین منابع مالی و پرداخت مخارج مربوط به خرید مصالح و حق‌الزحمه معماران و بنایان و عمله‌ها بودند. محل و شیوه تأمین این هزینه‌ها متغیر بود و این معضل گاه فرایند تأمین منابع مالی را پیچیده می‌کرد. در نامه‌ای بدون تاریخ که بین سال‌های ۱۲۹۱-۱۳۰۶ ق خطاب به شاه نوشته شده، مؤلف نامه به این مسائل اشاراتی کرده است.^{۱۶۳} در بسیاری از مواقع، مشکلات مالی مربوط به ساخت بناها سبب مناقشات و اختلاف‌هایی بین معمارباشی و دیگر عاملان ساخت‌وسازها می‌شد. در سندی بدون تاریخ، که به ح ۱۲۹۵-۱۲۹۶ ق بازمی‌گردد، معمارباشی به سبب مشکلات

۱۱۲. *روزنامه ایران*، ج ۳، ص ۱۷۸۸.
۱۱۳. «گزارش‌های مختلف حکام ولایات به امین‌السلطان و ناصرالدین شاه»، ص ۲۱۸.
۱۱۴. «نامه‌های ولیعهد، آصف‌الدوله، مخبرالدوله، مستوفی‌الممالک، معبرالممالک، فیروزمیرزا، امین‌الملک، مویدالدوله، دبیرالملک، حشمت‌الدوله به شاه»، ص ۲۳۶.
۱۱۵. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۱، ص ۴۰۷-۴۰۸.
۱۱۶. اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۱۹.
۱۱۷. همو، *المآثر والآثار*، ص ۹۴.
۱۱۸. نک: *روزنامه شرف*، ش ۲ (صفر ۱۳۰۰ق).
۱۱۹. اعتمادالسلطنه، همان، ص ۸۶.
۱۲۰. *روزنامه ایران*، ج ۱، ص ۲۰۵.
۱۲۱. نک: «گزارش اتمام کار خندق مابین دروازه شمیران و دروازه دوشان تپه و درخواست تحویل کار و دریافت قبض/ دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه»، ص ۳-۴.
۱۲۲. «دفتر نوشتجات منفرقه»، ص ۱۶۱.
۱۲۳. اعتمادالسلطنه، *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه*، ص ۴۲۹.
۱۲۴. *روزنامه وقایع اتفاقیه*، ج ۱، ص ۹۶.
۱۲۵. *ممتحن‌الدوله، خاطرات ممتحن‌الدوله*، ص ۱۷۱-۱۷۲.
۱۲۶. ناصرالدین‌شاه، *روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار: از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷*، ص ۳۸۹.
۱۲۷. «دستور بنایی در دوشان تپه، واگذاری ساختن دیوار اطراف نظام به معمار دیگری به جز معمارباشی»، ص ۳.

مسئول برخی کارهای معماری دیگر بود. در رجب ۱۲۶۷ق عمارات دیوانی کل ممالک محروسه را به حاجب‌الدوله واگذار کردند تا برای هریک از آنها مستحفظ و سرایدار و معمار معین کند و آنها را همیشه پاکیزه نگاه دارد.^{۱۶۸} بنا بر گزارش اعتمادالسلطنه، که آمیخته با اغراق به نظر می‌رسد، «اداره و اختیار عمارات دیوانی کل ممالک محروسه» را به پدرش، علی‌خان حاجب‌الدوله، دادند.^{۱۶۹} بنابراین، در آن سال‌ها مسئولیت مجموعه ساخت‌وسازها بر عهده معمارباشی و فرآش‌باشی بوده است. با این حال، حوزه وظایف و مسئولیت‌های دارندگان این دو منصب چنان در هم آمیخته بوده که امروزه تفکیک آنها از یکدیگر پیچیده و دشوار است. ظاهراً این دو منصب هم‌تراز بوده‌اند و دارندگانشان بر دو وجه مختلف کارهای معماری نظارت داشته‌اند. فرآش‌باشی‌ها بیشتر نگهداری از بناهای موجود^{۱۷۰} و معمارباشی‌ها عمدتاً کارهای مربوط به ساخت‌وساز بناهای جدید و تعمیر بناهای قدیمی را بر عهده داشته‌اند. پس از درگذشت محمدتقی‌خان معمارباشی، «منصب معمارباشیگری و اداره بنایی کل ممالک محروسه» به محمدابراهیم‌خان معمارباشی واگذار شد و او در خلال سال‌های ح ۱۲۷۷-۱۲۹۸ق عهده‌دار این منصب بود.^{۱۷۱} بنابر گزارش اعتمادالسلطنه در *روزنامه شرف*، علاوه بر منصب معمارباشیگری، «اداره بنایی کل ممالک محروسه» نیز بر عهده محمدابراهیم‌خان بوده است. او بیش از همه هم‌قطارانش و بیش از ۲۰ سال عهده‌دار منصب معمارباشیگری بود.

در برهه طولانی تصدی او بر این منصب، رخدادهای مهمی در تشکیلات معماری دربار ناصری رخ داد. به سال ۱۲۸۳ق نقش مباشرت در سازوکار معماری دربار پدید آمد. در خلال سال‌های ۱۲۶۴-۱۲۸۳ق مباشرت هنوز نقشی متمایز و مجزا نشده نبود، بلکه بیشتر بر عهده معمارباشی‌ها یا فرآش‌باشی‌ها بود. در ۱۲۸۳ق فصل مهمی در تشکیلات معماری دربار آغاز شد؛ زیرا با واگذار کردن «بعضی بنائی فرمایشی مخصوص» به

تأمین منابع مالی، شکایت خود را طرح کرده است.^{۱۶۴} این قبیل مناقشات و کشمکش‌ها میان رئیس بنایی، معمارباشی، شاه، مستوفیان و مباشران در دسته‌ای از اسناد به سال ۱۲۹۱ق نیز منعکس شده است.^{۱۶۵}

۳. سیر تحول و تطور

مدیریت و نظارت فنی بر همه ساخت‌وسازهای سلطنتی وظیفه اصلی و وجه مشترک همه معمارباشی‌های دربار ناصری بود. با این حال، به فراخور موقعیت‌های مختلف و با مرور زمان این منصب متحول شد. پدید آمدن نقش مباشرت، منصب ریاست بنایی و اهمیت یافتن معماران درجه اول از عوامل مؤثر در این امر بود.

نخستین معمارباشی دربار ناصری، به روایتی، عبدالله‌خان بود. او که در واقع معمارباشی دربار فتحعلی‌شاه و محمدشاه بود، در نخستین سال‌های سلطنت ناصرالدین‌شاه نیز چندی بر سر کار ماند. با انتصاب به این سمت در سال ۱۲۵۵ق، عبدالله‌خان شأن و جایگاهی ممتاز در بین همه پیشه‌وران دربار محمدشاه یافت و مقرر شد

نقاشان و معماران و مهندسان و میناکاران و نجاران و حجّاران و فخّاران و شیشه‌بران و حدّادان و سرایداران و باغبانان و مقنّیان و *** عالیجاه مشارالیه راه، کمافی‌السابق، باشی بالاستقلال خود دانسته، از سخن و صواب‌دید او تجاوز نمایند.^{۱۶۶}

بنا بر قراین بسیار، به معمارباشی‌های دربار ناصری هیچ‌گاه چنین شأن و منزلت و حوزه اختیاراتی عطا نشد.

پس از عبدالله‌خان و شاید چند سالی دوشادوش او، محمدتقی‌خان در حدود سال‌های ۱۲۶۴-۱۲۷۷ق عهده‌دار منصب معمارباشیگری در دربار ناصری بود. بر مبنای گزارش اعتمادالسلطنه، او «منصب معمارباشیگری و اداره کل تعمیرات عمارات سلطنتی ممالک محروسه» را بر عهده داشت.^{۱۶۷} تقریباً هم‌زمان با او، علی‌خان حاجب‌الدوله نیز به عنوان فرآش‌باشی

۱۲۸. «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۳۳۴.
۱۲۹. «گزارشی به ناصرالدین‌شاه در مورد اظهارات معمارباشی راجع به امور بنائی قصر عاج و شمس‌العماره ۲۷/ محرم ۱۲۹۲ق».
۱۳۰. عبد امین، نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه، ص ۲۳۱-۲۳۲.
۱۳۱. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۳۷۵-۳۷۶.
۱۳۲. روزنامه دولت علیه ایران، ج ۱، ص ۲۹.
۱۳۳. همان، ج ۲، ص ۸۳۳.
۱۳۴. ناصرالدین‌شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه در سفر اول فرنگستان، ص ۳۹۳.
۱۳۵. نک: روزنامه دولت علیه ایران، ج ۲، ص ۱۱۸۶؛ «دستور به علاءالدوله: لزوم بازدید معمارباشی و برآورد مخارج جهت ساختن چند اطاق، آشپزخانه، حمام عمومی و... در جاجرود».
۱۳۶. روزنامه ایران، ج ۲، ص ۱۶۰۱.
۱۳۷. ناصرالدین‌شاه، یادداشتهای روزانه ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۳-۱۳۰۰ قمری)، ص ۱۱۳-۱۱۴؛ حسین قلی نظام‌السلطنه مافی، خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، ج ۱، ص ۱۱۳.
۱۳۸. ناصرالدین‌شاه، همان، ص ۲۳۸.
۱۳۹. همان، ص ۴۶۰.
۱۴۰. نک: محمدشاه، همان.
۱۴۱. ناصرالدین‌شاه، همان، ص ۲۳۹، ۳۵۱.
۱۴۲. همو، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار: از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ق، ص ۲۴.

دوست‌علی‌خان معیرالممالک، بخشی از کارها از عهده‌دارندگان منصب فراش‌باشی خارج شد.^{۱۳۲} این نخستین بار در عصر ناصری بود که کارهای معماری به شخصی جز معمارباشی و فراش‌باشی واگذار می‌شد، رخدادی که سرآغاز شکل‌گیری نقش مباشرت بود. مباشر کسی بود که پیگیری کارهای مربوط به یک بنای خاص را، از جنبه‌ی مدیریتی و دیوانی، بر عهده داشت و در دیگر امور مداخله نمی‌کرد. از این‌رو، مباشرت منصبی رسمی و دائمی نبود، بلکه نقشی موقتی بود که در فرایند ساخت هر بنا به اشخاص مختلف داده می‌شد.^{۱۳۳}

تغییر مهم دیگر تشکیلات معماری دربار ناصری، در برهه‌ی معمارباشی‌گری محمدابراهیم‌خان، شکل‌گیری منصب ریاست بنایی^{۱۳۴} در خلال سال‌های ۱۲۸۸-۱۲۹۰ق بود. ناصرالدین‌شاه که از فساد نهادینه و ناتوانی عاملان در مدیریت مجموعه کارهای معماری به تنگ آمده بود، به شخصی نیاز داشت که همه‌ی ساخت‌وسازها را یک‌جا زیر نظر بگیرد. گزارش فسادهای عاملان معماری، از جمله معمارباشی‌ها^{۱۳۵}، پیاپی به او می‌رسید و جای خالی منصبی که مانع این تخلف‌ها و فسادها شود روزبه‌روز آشکارتر می‌شد. از این‌رو، ناصرالدین‌شاه به سال ۱۲۹۱ق علاءالدوله را به ریاست بنایی منصوب کرد تا بر همه‌ی ساخت‌وسازها نظارت و رسیدگی کند.^{۱۳۶} بنابر فرمان انتصاب علاءالدوله، ناصرالدین‌شاه می‌خواست یک نفر مسئول رسیدگی به همه‌ی بنایی‌ها باشد تا بتواند او را از بابت صحت و درستی کارها مؤاخذه کند. به‌علاوه، علاءالدوله مسئول رسیدگی به فساد کارهای معماری پیشین هم شد که در عهده‌ی کسانی چون محمدابراهیم‌خان معمارباشی، معیرالممالک، و محمدخان حاجب‌الدوله بود. اگرچه او هیچ‌گاه با عنوان رئیس بنایی خوانده نشد، در عمل نخستین دارنده‌ی این منصب در دربار ناصری بود. علاءالدوله که «اداره‌ی فراش‌خانه‌ی مبارکه و باغات و عمارات دولتی» را بر عهده داشت، در واقع فراش‌باشی دربار بود، اما فراش‌باشی‌ای که گستره‌ی وظایف و مسئولیت‌هایش با هیچ‌یک از اسلافش قیاس‌کردنی نبود.

در انتصاب علاءالدوله، به تعبیری، منصب فراش‌باشی‌گری به ریاست بنایی استحاله یافت. وظیفه‌ی اصلی رؤسای بنایی مدیریت مجموعه‌ی ساخت‌وسازهای سلطنتی از حیث کارهای دیوانی بود. اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار فهرست این اشخاص را در ذیل عنوان «اعضای اداره‌ی بنایی دیوان‌اعلی» برشمرده است:

محمدتقی‌خان معمارباشی، حاج‌علی‌خان حاجب‌الدوله، حاج محمدخان حاجب‌الدوله^{۱۳۷}، میرزا زکی ضیاءالملک، علی‌قلی میرزا اعتضادالسلطنه، محمودخان ناصرالملک، یحیی‌خان معتمدالملک (مشیرالدوله)، آقا ابراهیم‌خان امین‌السلطان، و میرزا علی‌اصغرخان امین‌السلطان.^{۱۳۸}

مسئولیت رؤسای بنایی و معمارباشی‌ها از حیث نظارت هم‌زمان بر مجموعه‌ی ساخت‌وسازهای سلطنتی مشابه بود، با این تفاوت که رؤسای بنایی بیشتر از لحاظ امور دیوانی بر کارها نظارت داشتند و معمارباشی‌ها از حیث امور فنی.

محمدابراهیم‌خان در طول برهه‌ی معمارباشی‌گری خود با عوامل معماری مختلفی در ارتباط بود. تقریباً هم‌زمان با او، محمدخان حاجب‌الدوله به فراش‌باشی‌گری منصوب شد و در خلال سال‌های ۱۲۷۵-۱۲۸۶ق اندک وظایفی را در تشکیلات معماری دربار ناصری بر عهده گرفت. در خلال سال‌های ۱۲۸۳-۱۳۰۰ق برخی رؤسای بنایی و مباشران همچون معیرالممالک، علاءالدوله، و امین‌السلطان به موازات او بر ساخت‌وسازها نظارت می‌کردند. به‌علاوه، در سال‌های ۱۲۹۵-۱۳۰۰ق بیشتر کارهای معماری در عمل به دست دو معمار طراز اول، حاجی ابوالحسن و حسین‌علی‌خان، افتاد که با عنوان‌هایی چون «معمار مخصوص» و «رئیس معماران» خوانده می‌شدند.^{۱۳۹}

از میانه‌ی دهه‌ی ۱۲۸۰ق تا ۱۳۰۰ق، سه تغییر مهم در تشکیلات معماری دربار به‌تدریج از قدرت و سیطره‌ی محمدابراهیم‌خان معمارباشی کاست: شکل گرفتن نقش مباشرت در اواسط دهه‌ی ۱۲۸۰ق، پدید آمدن منصب ریاست بنایی در ح ۱۲۹۰ق، و نیز سپردن کارهای معماری به استادان معمار در نیمه‌ی دوم

۱۴۳. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۹۰؛ همو، تاریخ منتظم ناصری، ج ۳، ص ۱۷۱۵؛ روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۷۶.
۱۴۴. همان، ص ۳۴۴.
۱۴۵. نک: همان، ج ۱، ص ۳۷۵ - ۳۷۶؛ روزنامه دولت علیه ایران، ج ۲، ص ۷۰۷.
۱۴۶. روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۷۶۳.
۱۴۷. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۹۴.
۱۴۸. روزنامه دولت علیه ایران، ج ۲، ص ۷۰۷.
۱۴۹. نک: «نامه‌های سعید انصاری، فیروز میرزا، عزیزخان مکری، نیرالملک، مستوفی‌الممالک»، ص ۱۶، ۱۰۶، ۱۴۰، ۱۴۴، ۱۷۰، ۱۷۶، ۲۰۱، ۳۴۲، ۳۷۲.
۱۵۰. نک: ناصرالدین‌شاه، روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار: از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷، ص ۳۸۹؛ «ساخت خیابان‌ها و عمارت ارگ سلطنتی»؛ «اسناد دارالخلافه تهران - دفاتر مکمل»؛ ناصرالدین‌شاه، سفرهای ناصرالدین‌شاه به قم (۱۲۶۶ - ۱۳۰۹ ه.ق.)، ص ۷۵؛ «گزارشی به ناصرالدین‌شاه در مورد اظهارات معمارباشی راجع به امور بنائی قصر عاچ و شمس‌العماره ۲۷/ محرم / ق ۱۲۹۲»؛ «تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب منصبان، حرمخانه مبارکه و دستخط‌هایی از ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان»، ص ۵۹۶؛ «درخواست اجازه از شاه درباب انجام تعمیرات دیوانخانه و تخت مرمر/ دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه».

با این حال، این مقارنت چندان هم به ضرر حاجی ابوالحسن نبود. امین‌السلطان مدیریت کارهای دیوانی ساخت‌وسازها را بر عهده داشت و حاجی ابوالحسن بیشتر به لحاظ معماری و فنی در کارها دخالت می‌کرد. به علاوه، در بسیاری موارد، امین‌السلطان کارها را به مقاطعه به او می‌سپرد.^{۱۸۱}

پس از درگذشت حاجی ابوالحسن معمارباشی به سال ۱۳۰۵ق، به تصویب امین‌السلطان، منصب معمارباشیگری و «اداره معمارخانه و بنائی دولت علیه» به حاجی حسین‌علی، داماد حاجی ابوالحسن، واگذار شد و او تا سال ۱۳۱۱ق عهده‌دار این منصب بود.^{۱۸۲} حسین‌علی‌خان معمارباشی نیز همچون سلفش معماری می‌دانست، اما به قدر او پرکار نبود. در واقع، شمار ساخت‌وسازها در سال‌های پایانی حکومت ناصرالدین‌شاه عملاً چنان اندک بود که حسین‌علی‌خان مجالی برای عرض اندام نیافت. پس از فوت او به سال ۱۳۱۱ق، سرنوشت منصب معمارباشیگری در هاله‌ای از ابهام است. بنابر احتمالی ضعیف، این منصب را به برادرزاده او سپردند، اما به احتمال قوی‌تر، معمارباشی دیگری در دربار ناصری بر سر کار نیامد.

۴. نتیجه‌گیری

تشکیلات معماری دربار ناصری در آغاز غیرمنسجم و نامنظم بود، اما به مرور قوام یافت. در ابتدای عصر ناصری، مناصب و نقش‌ها محدود بود و حیطة وظایف و مسئولیت‌های اشخاص چندان مشخص نبود، اما در طی سال‌ها، با انباشت تدریجی تجربه‌ها و سنت‌های ساخت و نیز افزایش ساخت‌وسازها، به تدریج ساختاری سلسله‌مراتبی شکل گرفت که خلأ ناشی از آن بی‌نظمی‌ها و بی‌گونی را تا حدی جبران می‌کرد. در انتهای این برهه، تشکیلات معماری دربار ناصری پنج رأس اصلی داشت: شاه، رئیس بنائی، معمارباشی، مباشر، و معمار. در رأس این تشکیلات، ناصرالدین‌شاه بود که بر همه ساخت‌وسازها سیطره داشت. در مرتبه‌ای فروتر، رؤسای بنائی و معمارباشی‌ها

دهه ۱۲۹۰ق. این سه رویداد باعث شد که مداخله‌های او در کارهای معماری به تدریج کمتر شود و کارها به دست رقبایی چون رؤسای بنائی و مباشران و معماران طراز اول بیفتند. در ۱۳۰۰ق، محمدابراهیم‌خان رسماً از منصب معمارباشیگری کناره گرفته بود.

معمارباشی بعدی حاجی ابوالحسن بود که در خلال سال‌های ۱۳۰۰ - ۱۳۰۵ق این منصب را بر عهده داشت. پس از عبدالله‌خان که ظاهراً در کار معماری تبحر داشت، حاجی ابوالحسن نخستین معمارباشی مسلط بر هر دو جنبه مدیریتی و عملی معماری در دربار ناصری بود. دو معمارباشی پیش از او، یعنی محمدتقی‌خان و محمدابراهیم‌خان، ظاهراً از علم و عمل معماری بی‌بهره یا کم‌بهره بودند. حاجی ابوالحسن معماری طراز اول بود؛ بنابراین خود نیز گاه‌به‌گاه در مراحل مختلف کار معماری، از طراحی تا اجرا، دخالت می‌کرد. پس از درگذشت او، اعتمادالسلطنه در وصفش نوشت: «فی الواقع معمار قابلی بود».^{۱۸۰}

حاجی ابوالحسن برخلاف اسلاف و اخلافش هیچ‌گاه لقب خانی نیافت، بلکه به صنیع‌الملکی ملقب شد. اعطای لقب «صنیع‌الملک» به او سرشار از معنی است. پیش از او، این لقب از آن نقاش و صنعتگری چون ابوالحسن‌خان غفاری بود. ملقب کردن حاجی ابوالحسن به صنیع‌الملکی به معنای تلقی خاصی از معمارباشی به مثابه صنعتگری هنرمند بود و به توانایی او در کار معماری دلالت داشت. معمارباشی بعدی، حسین‌علی‌خان، نیز صنیع‌الملک لقب گرفت؛ زیرا او نیز همچون حاجی ابوالحسن معماری می‌دانست و در این فن استاد بود.

برهه معمارباشیگری حاجی ابوالحسن مصادف بود با ریاست بنائی علی‌اصغرخان امین‌السلطان که قدرتمندترین رئیس بنائی در دربار ناصری و در شمار پرنفوذترین درباریان در دهه آخر سلطنت ناصرالدین‌شاه بود. در موازنه قدرت میان این دو نفر، البته کفه ترازو به سمت رئیس بنائی سنگینی می‌کرد.

۱۵۱. «نامه‌ها و گزارشاتی به ناصرالدین‌شاه»، ص ۱۱۸؛ ناصرالدین‌شاه، یادداشت‌های روزانه ناصرالدین‌شاه (۱۳۰۳ - ۱۳۰۰ قمری، ص ۱۶۰.
۱۵۲. نک: روزنامه شرف، ش ۳۹ (رجب المرجب ۱۳۰۲ ق).
۱۵۳. نک: «تلگراف‌های شاه، صدر اعظم، امین‌السلطان، مقامات حکومتی، تجار و رعایا از طهران، مشهد و ولایات دیگر»، ص ۲۹۶، ۳۰۰؛ ناصرالدین‌شاه، همان، ص ۱۹۰-۱۹۱، ۴۶۰.
۱۵۴. ناصرالدین‌شاه، همان، ص ۱۲۸.
۱۵۵. همان، ص ۴۹۵.
۱۵۶. عبد‌امین، همان.
۱۵۷. نک: روزنامه وقایع اتفاقیه، ج ۱، ص ۳۴۴-۳۷۵، ۳۷۶، ۷۶۳.
۱۵۸. «روزنامه‌ها، کتابچه‌ها و اسناد متفرقه در خصوص امور کشوری و لشکری و اجتماعی مربوط به دوره ناصری و مظفری»، ص ۳-۴.
۱۵۹. «نامه‌های عزیزخان مکری، سعید انصاری، عین‌الملک، حسام‌السلطنه، اعتضادالسلطنه، مشیرالدوله، و سپهسالار به شاه»، ص ۳۴۶.
۱۶۰. نک: روزنامه دولت علیه ایران، ج ۲، ص ۱۱۸۶؛ «دستور به علاءالدوله: لزوم بازدید معماری‌ها و برآورد مخارج جهت ساختن چند اطاق، آشپزخانه، حمام عمومی و... در جاجرد».
۱۶۱. «نامه‌های ولیعهد، آصف‌الدوله، مخیرالدوله، مستوفی‌الممالک، معیرالممالک، فیروز میرزا، امین‌الملک، مویدالدوله، دبیرالملک، حشمت‌الدوله به شاه»، ص ۴۹۴.

بر «مجموعه» ساخت‌وسازها نظارت داشتند. در ساخت تک‌بناها نیز بیشتر کارها، بیشتر کارها بر عهدهٔ مباشران و معماران بود. ریاست بنایی و معماری‌اشیگری «منصب»‌های رسمی درباری به حساب می‌آمدند، اما مباشرت و معماری^{۱۸۳} در واقع «نقش»‌هایی بود که بر عهدهٔ اشخاص مختلف گذاشته می‌شد و از یک کار معماری به کار دیگر تغییر می‌کرد.

در این تشکیلات نقش معماری‌ها منحصر به فرد بود. ناصرالدین‌شاه که شیفتهٔ بناهای جدید بود، پیاپی فرمان به ساخت بناهای جدید می‌داد. حتی اگر بنای جدیدی ساخته نمی‌شد، تقریباً هر سال بناهای پیشین نیازمند مرمت و بازسازی بود. از این رو، در دربار ناصری همیشه ساخت‌وسازهای سلطنتی متعددی به موازات هم در جریان بود. کثرت این کارها اهمیت منصب معماری‌اشیگری را افزون می‌کرد، چه همواره به شخصی نیاز بود تا هم‌زمان بر همهٔ این ساخت‌وسازها و پیشرفت آنها رسیدگی کند.

از آنجاکه شرح وظایف معماری‌ها به صورت مدون و مکتوب در جایی ذکر نشده بود، به حسب شرایط تغییر می‌کرد. مهم‌ترین کار معماری‌ها نظارت فنی بر مجموعهٔ ساخت‌وسازها بود، اما آنها کارهای دیگری نیز انجام می‌دادند، از برآورد ساخت‌وسازها و تعمیرات تا خرده‌کاری‌های مختلف. در ابتدای عصر ناصری، هنگامی که عبدالله‌خان و محمدتقی‌خان معماری‌ها در مصدر کار بودند، ساخت‌وسازهای سلطنتی اندک و تشکیلات معماری دربار هنوز بی‌شکل بود. به مرور و با گذر سال‌ها، با کثرت یافتن کارهای معماری، مناصب و نقش‌های جدید پدید آمد و تشکیلات معماری دربار قوام یافت.

پدید آمدن نقش‌ها و منصب‌های جدید تغییراتی در منصب معماری‌اشیگری ایجاد کرد. شکل گرفتن نقش مباشرت، پدید آمدن منصب ریاست بنایی، و نیز اهمیت یافتن معماران طراز اول در دهه‌های ۱۲۸۰-۱۳۰۰ ق تغییرات مهمی بود که مسیر منصب معماری‌اشیگری را تغییر داد. رئیس بنایی، به رغم تفاوت

مسئولیت‌هایش با معماری‌اشی، بدیل و رقیبی جدی برای او محسوب می‌شد. به علاوه، قدرت یافتن استادان معمار در اواخر دههٔ ۱۲۹۰ ق رفته‌رفته معماری‌اشی را به حاشیه راند. با این تحولات، منصب معماری‌اشیگری از تشکیلات معماری دربار حذف نشد، بلکه از حالتی به حالت دیگر تغییر کرد. از ۱۳۰۰ ق به بعد معماری‌اشی‌هایی بر سر کار آمدند که علاوه بر نظارت‌های فنی کلان بر مجموعهٔ ساخت‌وسازها، در عمل نیز خبره و ماهر بودند و می‌توانستند مجموعه کارهای معماری را به‌مثابهٔ یک معمار طراز اول برنامهریزی و هدایت کنند. البته وظیفهٔ اصلی آنها همچنان مدیریت مجموعهٔ ساخت‌وسازهای سلطنتی بود، اما با نگرش معمارانهٔ غنی‌تر در مسائل فنی و عملی.

سال ۱۳۰۰ ق نقطهٔ عطفی در تشکیلات معماری دربار ناصری بود؛ زیرا پس از سال‌ها، منصب معماری‌اشیگری به‌دست معماران اهل فن افتاد. پیش از آن، معماری‌اشی‌ها بیشتر به‌مثابهٔ مدیر نگریده می‌شدند. از این رو بود که در سه دههٔ نخست عصر ناصری، اشخاصی چون محمدتقی‌خان و محمدابراهیم‌خان عهده‌دار منصب معماری‌اشیگری بودند که در عمل معماری نمی‌دانستند. در ۱۳۰۰ ق، این طرز تلقی از معماری‌اشی تغییر کرد. در حد فاصل سال‌های ۱۳۰۰-۱۳۱۱ ق دو معماری‌اشی دربار ناصری، حاجی ابوالحسن و حسین‌علی‌خان، «صنیع‌الملک» لقب گرفتند که بر تبخّر آنها در صناعت معماری دلالت داشت. اعطای لقب صنیع‌الملکی به این دو معمار زبده به معنای چرخشی در رویهٔ انتصاب معماری‌اشی‌ها بود. در واقع، پس از سال‌ها که منصب معماری‌اشیگری در اختیار مدیران بود، این سمت به‌دست معماران زبده افتاد.

در طی پنجاه سال سلطنت ناصرالدین‌شاه، سازوکار معماری دربار از حیث دیوان‌سالاری به تدریج منسجم‌تر و پخته‌تر شد. در این برهه، به تدریج نقش‌ها و منصب‌ها از یکدیگر متمایز شد و تشکیلات معماری نظم و نسق بهتری یافت. همراه با این تحولات و در نسبت با دیگر نقش‌ها و مناصب، منصب

دیوان سالارانه را می‌توان از جمله نشانه‌های تجدد در تشکیلات معماری دربار ناصری در نظر گرفت.

معمارباشیگری نیز به تدریج قوام و وضوح بیشتری یافت و از منصبی مدیریتی به منصبی فنی تغییر کرد. این تحولات

منابع و مآخذ

احمد میرزا قاجار. تاریخ عضدی. ویرایش عبدالحسین نوائی. تهران: علمی، ۱۳۷۶.

اعتمادالسلطنه، محمدحسن‌خان. *چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه: جلد اول: المآثر والأثار*. ویرایش ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

_____. *تاریخ منتظم ناصری*. ویرایش محمداسماعیل رضوانی. ج ۳. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۶۳-۱۳۶۷.

_____. *روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه مربوط به سالهای ۱۲۹۲ تا ۱۳۱۳ هجری قمری از روی یگانه نسخه موجود در کتابخانه آستان قدس*. ویرایش ایرج افشار. تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۹.

_____. *مرآة البلدان*. ویرایش عبدالحسین نوائی و هاشم محدث. ج ۴. تهران: دانشگاه تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ، ۱۳۶۷.

افشار، ایرج. «فرمان محمدشاه برای معمارباشی دربار». در *راهنمای کتاب*، ش ۱۷ (۱۳۵۳)، ص ۱۷۹-۱۸۰.

بامداد، مهدی. *شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری*. ع ۶. تهران: کتابفروشی و انتشارات زوار، ۱۳۴۷.

برادران، زهرا. *تأملی در اصناف و شئون معماران دوره قاجاریه*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۹۱.

بزرگ‌نیا، زهره. *معماران ایران: از آغاز دوره اسلامی تا پایان دوره قاجار*. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، ۱۳۸۳.

بنجامین، ساموئل گرین ویلر. *ایران و ایرانیان در عصر ناصرالدین‌شاه*. ترجمه محمدحسین کردیچه. تهران: اطلاعات، ۱۳۹۴.

«تلگراف و نامه‌های مظفرالدین قاجار، ظل‌السلطان، شمس‌الدوله، معتمد الحرم، سپهسالار، فرهاد میرزا، امین لشکر، احترامالسلطنه، مستوفی‌الممالک». ۱۸۰۹۸ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«تلگراف و نامه‌های ولیعهد، سپهسالار، اعتضادالدوله، امین اقدس، معزالدوله، ظل‌السلطان، اعتماد حضور، امیر نظام». ۱۸۰۷۰ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«تلگراف و نامه‌های ولیعهد، ظل‌السلطان، مستوفی‌الممالک، امین‌السلطان،

امین‌الملک، طولوزان، امیر نظام، عضدالدوله، عزالدوله و نایب‌السلطنه». ۱۸۰۹۹ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب‌منصبان، حرمخانه مبارکه و دستخط‌هایی از ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان». ۱۸۰۵۰ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۹۵ق.

«تلگراف‌های حرمخانه مبارکه، حکام و صاحب‌منصبان و سواد بعضی تلگراف‌ها به دستخط ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان». ۱۸۰۲۲ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«تلگراف‌های شاه، صدر اعظم، امین‌السلطان، مقامات حکومتی، تجار و رعایا از طهران، مشهد و ولایات دیگر». ۱۷۷۸۰ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۰۲-۱۳۰۳ق.

«تلگراف‌های مظفرالدین‌میرزا، مخبرالدوله، صدر اعظم، سپهسالار، امین‌السلطان و غیره». ۱۷۶۷۲ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

خاوری شیرازی، فضل‌الله بن عبدالنبی. *تاریخ ذوالقرنین*. ویرایش ناصر افشارفر. ج ۲. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۰.

«درخواست اجازه از شاه در باب انجام تعمیرات دیوانخانه و تخت مرمر/ دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه». ۱۶۸۲ / ۲۹۶. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«دستخط ناصرالدین‌شاه به مستوفی‌الممالک در خصوص واگذاری عمل بنایی ساختمان‌های دولتی به علاءالدوله». ۱۶۴۶۸ / ۲۹۶. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«دستخط‌های ناصرالدین‌شاه، نامه‌ها و عرایض مقامات حکومتی، زنان، رعایا و سایرین به شاه». ۱۷۷۷۹ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«دستور بنایی در دوشان‌تپه، واگذاری ساختن دیوار اطاق نظام به معمار دیگری به‌جز معمارباشی». ۱۵۷۴ / ۲۹۶. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«دستور به علاءالدوله: لزوم بازدید معمارباشی و برآورد مخارج جهت ساختن چند اطاق، آشپزخانه، حمام عمومی و ... در جاجرود». ۱۶۰۰ / ۲۹۶. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

۱۶۲. «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا یا ناصرالدین‌شاه»، ص ۱۹۶.

۱۶۳. «دستخط‌های ناصرالدین‌شاه، نامه‌ها و عرایض مقامات حکومتی، زنان، رعایا و سایرین به شاه»، ص ۱۲۰.

۱۶۴. «تلگراف و نامه‌های مظفرالدین قاجار، ظل‌السلطان، شمس‌الدوله، معتمد الحرم، سپهسالار، فرهاد میرزا، امین لشکر، احترامالسلطنه، مستوفی‌الممالک»، ص ۱۷.

۱۶۵. نک: «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۳۲۴، ۳۲۲، ۳۲۴.

۱۶۶. نک: محمدشاه، همان: ایرج افشار، همان.

۱۶۷. نک: *روزنامه شرف*، ش ۴۶ (ذی‌حجه ۱۳۰۳ق).

۱۶۸. *روزنامه وقایع اتفاقیه*، ج ۱، ص ۸۱.

۱۶۹. اعتمادالسلطنه، *مرآة البلدان*، ج ۲، ص ۱۰۵۷.

۱۷۰. این را می‌توان از حکم انتصاب علی‌خان حاجب‌الدوله در ۱۲۶۷ق استنباط کرد. به‌علاوه، در فرمان ۱۲۷۶ق ناصرالدین‌شاه خطاب به محمدخان حاجب‌الدوله، فرمایشی بعدی، این امر به‌صراحت بیشتر ذکر شده است: «حفظ و حراست جمیع ابنیه و عمارات سلطانی را که در ممالک محروسه می‌باشد و تعمیرات آنها را به عهده مراقبت و اهتمام مشارالیه محول و مرجوع فرمودند که به هر جا، هر کس را که شایسته و سزاوار داند مباشر و سرکار و سرایدار معین

نموده، جمیع عمارات سلطانی را که در هر یک از بلاد ممالک محروسه باشد آباد و معمور دارد» (*روزنامه دولت علیه ایران*، ج ۱، ص ۵۲۸).

۱۷۱. «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا یا ناصرالدین‌شاه»، ص ۱۹۶.

۱۷۲. «دستخط‌های ناصرالدین‌شاه، نامه‌ها و عرایض مقامات حکومتی، زنان، رعایا و سایرین به شاه»، ص ۱۲۰.

۱۷۳. «تلگرافات و نامه‌هایی از حکام و صاحب‌منصبان، حرمخانه مبارکه و دستخط‌هایی از ناصرالدین‌شاه در سفر دوم فرنگستان». ۱۸۰۵۰ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۹۵ق.

۱۷۴. «تلگراف‌های حرمخانه مبارکه، حکام و صاحب‌منصبان و سواد بعضی تلگراف‌ها به دستخط ناصرالدین‌شاه در سفر سوم فرنگستان». ۱۸۰۲۲ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

۱۷۵. «تلگراف‌های شاه، صدر اعظم، امین‌السلطان، مقامات حکومتی، تجار و رعایا از طهران، مشهد و ولایات دیگر». ۱۷۷۸۰ / ۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۰۲-۱۳۰۳ق.

۱۷۱. نک: روزنامه شرف، ش ۴۶ (ذی‌حجه ۱۳۰۳ق).

۱۷۲. اعتمادالسلطنه، همان، ج ۳، ص ۱۵۱۶.

۱۷۳. از باب مثال، ساخت شمس‌العماره به مباشرت معیرالممالک در ۱۲۸۴ق، باغ عشرت‌آباد به مباشرت اعتمادالسلطنه در ۱۲۹۱ق، کاخ شهرستانک به مباشرت ابراهیم‌خان امین‌السلطان در ۱۲۹۵ق، و عمارت تلگراف‌خانه به مباشرت علی‌قلی‌خان مخیرالدوله در ۱۳۰۳ق از جمله مصادیق نقش مباشرت در تشکیلات معماری دربار ناصری است (نک: روزنامه شرف، ش ۲۷ جمادی الاولی ۱۳۰۲ق)؛ همان، ش ۲۲ (ذی‌قعدة ۱۳۰۱ق)؛ اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۸۸-۸۹، ۱۰۹-۱۱۱؛ همو، مرآة البلدان، ج ۳، ص ۱۸۲۱؛ همو، تاریخ منظم ناصری، ج ۳، ص ۲۰۴۴.

۱۷۴. در اینجا باید به تمایز میان «ریاست بنایی» و «ریاست بناخانه» توجه کنیم. منظور از «ریاست بنایی» منصبی است که از ح ۱۲۹۰ق شکل گرفت، اما «ریاست بناخانه» در واقع همان منصب معمارباشیگری است که از ابتدای عصر ناصری و پیش از آن وجود داشته و اعتمادالسلطنه در المآثر و الآثار دارندگان آن را در ذیل عنوان «اعضای ریاست بناخانه و منصب معمارباشیگری» نام برده است.

۱۷۵. نک: «مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه»، ص ۱۹۶، ۳۲۲؛ عبدامین، نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه، ص ۱۱۸.

«دستور شاه به علاءالدوله مبنی بر دادن وجه به معمارباشی و حاجی ابوالحسن». ۱۲۹۰۱/۲۹۶. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«دفتر نوشتجات متفرقه». ۱۲۹۵/۷۶۶۸. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۳۰۰-۱۳۱۷ق.

ذکاء، یحیی. «معماران، استادکاران دوران اسلامی». در محمدیوسف کیانی، معماری ایران (دوره اسلامی)، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، مرکز تحقیق و توسعه علوم انسانی، ۱۳۸۷، ص ۴۴۱-۴۶۳.

_____. تاریخچه ساختمان‌های ارگ سلطنتی تهران و راهنمای کاخ گلستان. تهران: انجمن آثار ملی، ۱۳۴۹.

«روزنامه‌ها، کتابچه‌ها و اسناد متفرقه در خصوص امور کشوری و لشکری و اجتماعی مربوط به دوره ناصری و مظفری». ۱۲۹۵/۷۸۹۴. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

روزنامه ایران. ۵ج. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۴.

روزنامه دولت علیه ایران. ۲ج. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰.

روزنامه شرف شماره‌های ۱ تا ۱۳۰۰ ۱۷ تا ۱۳۰۹ ۱۳۰۹ هجری قمری و شرافت شماره‌های ۱ تا ۱۳۱۴ ۶۶ تا ۱۳۳۱ ه.ق. ویرایش مجید رهنما. تهران: سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۰۳.

روزنامه وقایع اتفاقیه. ۴ج. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها، ۱۳۷۳.

«ساخت خیابان‌ها و عمارت ارگ سلطنتی». ۱۲۹۵/۲۱۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۲۸۶ق.

سالور، قهرمان میرزا. روزنامه خاطرات عین‌السلطنه. ۱۰ج. ویرایش مسعود سالور و ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

سپهر، محمدتقی. ناسخ التواریخ تاریخ قاجاریه. ۲ج. ویرایش جمشید کیان‌فر. تهران: اساطیر، ۱۳۷۷.

تلگرافات عصر سپهسالار (خط تبریز) ۱۲۹۵-۹۶. ویرایش محمود طاهر احمدی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۰.

عبد امین، مجید. نامه‌هایی به ناصرالدین‌شاه: مجموعه‌ای از عرایض، متضمن اوامر شاه به امین‌السلطان، میان سال‌های ۱۳۰۰ تا ۱۳۰۳ قمری. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۷.

فهادمیرزا قاجار. زنبیل. ویرایش محمد رضانی. تهران: کتابفروشی و چاپخانه اسلامی، ۱۳۴۵.

«قبض‌های الواصل، صورت‌های جمع و خرج و امور مالی دربار ناصری و مظفری». ۱۲۹۵/۷۴۷۲. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«قبوض پرداخت مخارج تعمیرات و بنایی عمارت دوشان‌تپه قراولخانه و غیره توسط سپهسالار اعظم، وجیه‌اله‌میرزا». ۱۲۹۶/۵۸۸۹. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

کریم‌زاده تبریزی، محمدعلی. احوال و آثار نقاشان قدیم ایران و برخی از مشاهیر نگارگر هند و عثمانی. ۳ج. لندن: محمدعلی کریم‌زاده تبریزی، ۱۳۶۳.

«گزارش اتمام کار خندق مابین دروازه شمیران و دروازه دوشان‌تپه و درخواست تحویل کار و دریافت قبض / دستخط ناصرالدین‌شاه در این زمینه». ۱۲۹۶/۱۶۹۷. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«گزارش‌های مختلف حکام ولایات به امین‌السلطان و ناصرالدین‌شاه». ۱۲۹۵/۷۸۸۴. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«گزارشی به ناصرالدین‌شاه در مورد اظهارات معمارباشی راجع به امور بنایی قصر عاج و شمس‌العماره / ۲۷ محرم / ۱۲۹۲». ۱۲۹۵/۳۵۸۷. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۲۹۲ق.

«متن تلگراف‌ها، گزارش‌ها و نامه‌های مقامات حکومتی و لشکری به شاه، امین‌السلطان و سایرین». ۱۲۹۵/۷۶۶۶. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۲۹۸-۱۳۱۳ق.

محبوبی اردکانی، حسین. چهل سال تاریخ ایران در دوره پادشاهی ناصرالدین‌شاه: جلد دوم: تعلیقات حسین محبوبی اردکانی بر المآثر و الآثار. ویرایش ایرج افشار. تهران: اساطیر، ۱۳۷۴.

محمدشاه قاجار. «فرمان محمدشاه در خصوص اعطای لقب باشیگری نقاشخانه و خطاب خانی به عبدالله‌خان». ۱۲۹۷/۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

مستوفی، عبدالله. شرح زندگانی من، یا، تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه. ۳ج. تهران: زوار، ۱۳۸۸.

«مکاتبات شاهزادگان، درباریان، صاحب‌منصبان و زنان حرمسرا با ناصرالدین‌شاه». ۱۲۹۵/۷۴۲۷. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

ممتحن‌الدوله. خاطرات ممتحن‌الدوله: زندگینامه میرزا مهدی‌خان ممتحن‌الدوله شتاقی. ویرایش حسینقلی خان شتاقی. تهران: انتشارات فردوسی، نشر فرهنگ، ۱۳۶۲.

ناصرالدین‌شاه قاجار. روزنامه خاطرات ناصرالدین‌شاه قاجار: از ربیع‌الاول ۱۲۸۳ تا جمادی‌الثانی ۱۲۸۴ق: به انضمام شرح کامل سفرنامه اول خراسان. ویرایش مجید عبد امین. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۶.

۱۷۶. «دستخط ناصرالدین شاه به مستوفی الممالک در خصوص واگذاری عمل بنایی ساختمان‌های دولتی به علماءالدوله»، ص ۱.

۱۷۷. ظاهراً در نیمه نخست عصر ناصری، دو منصب معمارباشیگری و فراش‌باشیگری در کنار یکدیگر ریاست معماری دربار ناصری را شکل می‌داده‌اند. از همین روست که اعتمادالسلطنه در بر شمردن رؤسای معماری نام معمارباشی‌ها و حاجب‌الدوله‌ها را از پی هم آورده است.

۱۷۸. اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، ص ۴۴-۴۵.

۱۷۹. نک: اعتمادالسلطنه، تاریخ منتظم ناصری، ج ۱، ص ۵۵۶؛ ج ۲، ص ۱۲۹۳-۱۲۹۴؛ ج ۳، ص ۲۱۳۹؛ «قبض‌های الواصل، صورت‌های جمع و خرج و امور مالی دربار ناصری و مظفری»؛ «تلگراف و نامه‌های ولیعهد، سپهسالار، اعتضادالدوله، امین اقدس، معزالدوله، ظل‌السلطان، اعتماد حضور، امیر نظام»، ص ۷۳؛ روزنامه ایران، ج ۳، ص ۲۰۳۹.

۱۸۰. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ص ۵۵۴.

۱۸۱. ناصرالدین شاه، یادداشتهای روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۳-۱۳۰۰ قمری)، ص ۱۵۳-۱۵۴، ۱۵۴، ۴۹۵.

۱۸۲. روزنامه ایران، ج ۴، ص ۲۶۴۳.

۱۸۳. به معنای معماری کردن معماران طراز اول.

«نامه‌های سعید انصاری، فیروزمیرزا، عزیزخان مکری، نیرالملک، مستوفی الممالک»، ۱۸۵۵/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«نامه‌های ظل‌السلطان، وزیر امور خارجه، صاحب اختیار، امین‌السلطان و مقامات کشوری و لشکری»، ۸۰۲۸/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«نامه‌های عزیزخان مکری، سعید انصاری، عین‌الملک، حسام‌السلطنه، اعتضادالسلطنه، مشیرالدوله، و سپهسالار به شاه»، ۸۱۶۰/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«نامه‌های مقامات کشوری و لشکری به شاه در خصوص وصول مالیات، ارسال پیشکشی، رسیدگی به اختلافات مالی و ملکی و غیره»، ۷۸۰۵/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«نامه‌های وزیر مختار ایران در فرانسه به وزیر امور خارجه ایران در زمان سلطنت ناصرالدین شاه [۳]». در بررسی‌های تاریخی، ش ۵۵ (بهمن، اسفند ۱۳۵۵)، ص ۱۳۷-۱۷۶.

«نامه‌های ولیعهد، آصف‌الدوله، مخبرالدوله، مستوفی الممالک، معیرالممالک، فیروزمیرزا، امین‌الملک، مویدالدوله، دبیرالملک، حشمت‌الدوله به شاه»، ۸۱۴۸/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی. خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی. ج ۳. ویرایش معصومه نظام مافی و دیگران. تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲.

وزارت خارجه. «اسناد دارالخلافت تهران - دفاتر مکمل». تهران: مرکز اسناد وزارت امور خارجه، ۱۳۵-۸۴-، ۱۲۸۷ق.

هدایت، رضاقلی‌خان. تاریخ روضه الصفای ناصری. ویرایش جمشید کیان‌فر. ج ۱۵. تهران: اساطیر، ۱۳۸۰.

_____ . روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر اول فرنگستان. ویرایش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۷.

_____ . روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه در سفر دوم فرنگستان (۱۲۹۵ ه. ق). ویرایش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۹.

_____ . روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار از ربیع الاول ۱۳۱۰ تا جمادی‌الاول ۱۳۱۲ ق. ویرایش مجید عبد امین. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار با همکاری انتشارات سخن، ۱۳۹۷.

_____ . روزنامه خاطرات ناصرالدین شاه قاجار: از رجب ۱۲۸۴ تا صفر ۱۲۸۷ به انضمام سفرنامه‌های قم لار کجور و گیلان. ویرایش مجید عبد امین. تهران: انتشارات دکتر محمود افشار، ۱۳۹۷.

_____ . سفرهای ناصرالدین شاه به قم (۱۲۶۶-۱۳۰۹ ه. ق). ویرایش فاطمه قاضیها. تهران: سازمان اسناد ملی ایران، پژوهشکده اسناد، ۱۳۸۱.

_____ . یادداشتهای روزانه ناصرالدین شاه (۱۳۰۳-۱۳۰۰ قمری). ویرایش پرویز بدیعی. تهران: سازمان اسناد ملی ایران: پژوهشکده اسناد، ۱۳۷۸.

«نامه یکی از معماران در مورد تخریب خانه‌ای در مجاورت عمارت شمس العماره». ۲۷۳۴/۲۱۰. تهران: آرشیو ملی ایران، ۱۲۸۰.

«نامه‌ای به ناصرالدین شاه مبنی بر شکایت معمارباشی از نحوه ارزیابی عملکرد وی/۱۲۹۲ق/تهران». ۱۲۹۲ق. ۳۶۱۴/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران.

«نامه‌ها، عرایض و گزارشاتی به ناصرالدین شاه». ۷۹۶۳/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.

«نامه‌ها و گزارشاتی به ناصرالدین شاه». ۷۹۰۶/۲۹۵. تهران: آرشیو ملی ایران، بی‌تا.